

### بیانات در مراسم بیعت افشار مختلف مردم / ۱۳۴۸/۰۲/۲۵

امروز در دنیا نظام سلطه حاکم است؛ این یک نظام جهانی است. تسلط نظام سلطه بر دنیا و زندگی بشر، دو طرف دارد: یک طرف، سلطه‌گرها که همان ابرقدرت‌ها هستند؛ و طرف دیگر، دولت‌های سلطه‌پذیر هستند که دخالت‌های وقیحانه و گستاخانه‌ی ابرقدرت‌ها را قبول می‌کنند؛ این‌ها هم خودشان شریک جرمند. در این میان، ملتها بیچاره هستند که از روی ناآگاهی و ضعف و یا بی‌همتی خودشان پامال می‌شوند و از بین می‌روند.

در وسط این جنگل وحش و غوغای سلطه‌گری که قدرتها با همدیگر بدند و از خودشان می‌ترسند و حساب می‌برند و آتش‌بس پنهانی را بین خود برقرار کرده‌اند تا دنیا را راحت‌تر تقسیم کنند و منابع کشورها را به غارت ببرند، ناگهان ملتی پیدا شده است که به آن قدرتها و وابستگان‌شان و به زورگویی‌ها و دخالت‌ها و قیمت‌گذاریشان، «نه» می‌گوید. این ملت روی پای خود ایستاده است و با شجاعت در چشم قدرتها بزرگ نگاه می‌کند و می‌گوید من با شما و زورگویی‌ها تا دشمنم و مخالف سلطه‌طلبیتان هستم و تا آنجا که بتوانم، با شما مبارزه می‌کنم.

ملتی که این‌گونه با شجاعت و بی‌اعتنا به قدرتها در مقابل آنها می‌ایستد و با اتکا به نفس حرف می‌زند، قاعده‌اش این است که همه‌ی قدرتها باهم متحد شوند و این ملت و نظامی که مردم ایران را این‌طور ساخته است، از بین ببرند. اگر می‌بینیم ملت و نظام ما با این «نه» گفتنها و با این جراتها و گستاخی‌ها و با ضرباتی که علیه او وارد می‌کنند، نه فقط از بین نرفته، بلکه روز به روز قوی‌تر هم شده است، به این دلیل می‌باشد که ملت ایران خیلی ریشه‌دار و مقتدر است. دنیا مجبور شده است جمهوری اسلامی و ملت ایران را با همین وضع تحمل کند و بپذیرد.

### بیانات در مراسم اعطای سردوشی به فارغ‌التحصیلان دانشگاه علوم نظامی نیروی زمینی / ۱۳۴۸/۰۷/۱۲

در دنیایی که سلطه‌های جهانی و گردن‌کلفت‌های عالم، منافع اقتصادی و سیاسی و استراتژیک خودشان را بر همه‌ی آرزوهای ملی ملتها ترجیح می‌دهند؛ در دنیایی که رژیم برای حفظ منافع خود، در چند هزار کیلومتر دورتر از مرزهایش، ناوگان و پایگاه و عنصر نظامی نگهداری می‌کند؛ در دنیایی که ابرقدرتها برای حفظ امنیتی که ادعای آن را می‌کنند و حاضرند امنیت ملی تمام کشورها و مرزها را به هم بریزند و متاسفانه بسیاری از ملتها و دولتها و کشورها، این وضع را تحمل کرده و این وضعیت ناهنجار و غیر انسانی و غیر معقول را قبول کرده‌اند؛ در دنیایی که رابطه‌ی سلطه در آن حکم‌فرماست و ملتها و دولتها، به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم شده‌اند- الا استثناهای بسیار معدود- در چنین دنیایی و با این معادله‌ی غلط، نظام اسلامی و ملت رشید و انقلاب ما سربلند کرده است و می‌گوید: من سلطه و سلطه‌گر را رد می‌کنم و تن زیر بار سلطه نمی‌دهم و ملتها را هم تا بتوانم، با فریاد مخلصانه‌ی خود بیدار خواهم کرد.

شما فکر می‌کنید آن قدرتها سرگردنه‌بگیر دنیا، نسبت به چنین ملتی چه احساساتی خواهند داشت؟ طبیعی است که این احساسات، دوستانه نبوده و خصمانه و متعوضانه خواهد بود. ملت ایران، با این هدفها و خط‌مشی‌های روشن و انسانی و معقول بپاخاست و این نظام را به وجود آورد. یعنی با این ایده‌ها، به رهبری آن رهبر عالی‌قدر و بزرگوار و آن انسان حقیقتاً بزرگ، سر بلند کرد و یک رژیم وابسته‌ی فاسد را مثل دندان فاسدی برکند و دور انداخت و به جای آن، این نظام اسلامی را بر مینای استقلال و آزادی ملی و ترجیح آرزوهای ملی بر آرزوهای بیگانگان و اطماع متجاوزان بنا کرد. طبیعی است که قدرتها سلطه‌گر و دزدان غارتگر عالم، با این ملت و نظام دشمنی خواهند کرد.

ما وقتی رد نظام سلطه و سلطه‌گر و سلطه‌پذیر را در دنیا اعلام می‌کنیم، ملتها به هیجان می‌آیند. من، در مجامع جهانی مکرر حضور پیدا کرده‌ام. وقتی این فکر را مطرح کردم، دیدم حتی روسای دولتها به هیجان می‌آیند؛ منتها دست و ذهنشان بسته است و بعضی هم همتشان کوتاه است؛ اما دوست می‌دارند ملتی را ببینند که شجاعانه در وسط میدان، از چنین فکری دفاع می‌کند و می‌ایستد و از هیچ‌کس هم نمی‌ترسد. آن ملت با این آرمان، ملت ماست که باید نیروی دفاعی‌ش متناسب با این آرمان بلند و شایسته، سازماندهی و تقویت بشود.

### بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان / ۱۳۴۸/۰۸/۱۰

اگر شما امروز به صحنه‌ی سیاسی دنیا نگاه کنید، از این قبیل چیزها زیاد مشاهده می‌کنید. اینکه قدرتها بپایند کشوری را فرق کنند و ملتی را از خانه‌ی خودش بیرون نمایند و به زور، دولت دیگری را در آنجا تشکیل دهند و جای آن‌ها بنشانند، این همان حرکت استکباری است. در حادثه‌ی فلسطین، قدرتها زورگوی دنیا دست به‌دست هم دادند و یک ملت را از خانه‌ی خودش بکلی آواره کردند. این، چیز خیلی بزرگ و عجیبی است. امروز، دنیا به این رویه عادت کرده است که ملتی را از داخل کشورش اخراج کنند و سپس به زور، آدم‌هایی را از جاهای مختلف دنیا بیاورند و در آنجا بنشانند و یک ملت دروغین و مصنوعی به وجود بیاورند و دولتی را هم در راسش بگذارند تا منافع قدرتها بزرگ در آن منطقه‌ی عربی حساس تامین بشود!! این، همان استکبار است.

اینکه امروز مشاهده می‌کنید آمریکاها با خون‌سردی تمام، از کشتار هزاران انسان حرف می‌زنند و انفجار بمب در هیروشیما و کشتار هزاران انسان را عادی تلقی می‌کنند و می‌گویند: آن اقدام به مصلحت بود و ما چنین کاری را لازم دانستیم!! همان روح استکبار است. اگر هواپیمایی را با سرنشینانش ساقط می‌کنند و مورد اعتراض قرار می‌گیرند، می‌گویند: قضیه‌ی بود که تمام شد، صحبتش را نکنید!!

به‌طور طبیعی، برای آن‌ها آدم‌کشی و جنایت، یک امر معمولی است؛ اما آنجایی که پای منافع خودشان در میان باشد و یا فرضاً یک شهروند آن‌ها در گوشه‌ی بی‌دنيا غلطی کرده باشد و چند نفر از فشار رنج و ناراحتی، بلایی سر او بیاورند، در این هنگام، دنیا را از جنجال پر می‌کنند؛ چون برای خودشان حقی در زندگی و حیات قابلند که برای هیچ‌یک از افراد بشر، این حق را قائل نیستند. این، همان روح استکبار است که در نظام سلطه‌ی کنونی دنیا وجود دارد.

ما در دنیا اعلام کرده‌ایم که انقلاب اسلامی، با نظام سلطه مخالف است. نظام سلطه، یعنی اینکه دولتها و قدرتهای زور بگویند و ملتها و گروهها و کشورها و دولتهایی، آن زور را قبول کنند. طرفین، طرفین نظام سلطه‌اند و ما نظام سلطه را رد کردیم و رد می‌کنیم و با آن به مبارزه برمی‌خیزیم. ما در نظام سلطه، طرفین را مقرر می‌دانیم؛ هم سلطه‌گر و هم سلطه‌پذیر را. استکبار، به معنای همین نظام سلطه است.

امروز که شما به کل نظام غربی نگاه می‌کنید، از این خصوصیت استکبار و سلطه، نشانه‌هایی را می‌بینید. البته، در دنیا هیچ دولتی پررتر و وقیح‌تر از رژیم امریکا، سلطه و استکبار را آشکار نمی‌کند؛ اما این خصوصیت، مخصوص امریکا هم نیست. در کل نظام‌های غربی و کسانی که تابع آن‌ها هستند- مثل دولتهای ارتجاعی و وابسته و نظامهایی که برای خودشان قدرتی هستند- خصوصیات سلطه‌خودش را نشان می‌دهد؛ اگرچه دنیا آن‌ها را به‌عنوان ابرقدرت نپذیرد.

### پیام فرمانده کل قوا به گردهمایی فرماندهان ارتش بیست میلیونی / ۱۳۴۸/۰۹/۰۲

در نقاط مختلف جهان، دشمنان اسلام به مساجد- که پایگاه حریت انسان و جایگاه رابطه‌ی او با خدا و مرکزی برای کسب آگاهی از شیطنتهای شیاطین زر و زور است- با بغض و کینه‌ی عمیق می‌نگرند و تا آنجا که بتوانند، با وجود و حضور و فعالیت آن‌ها ستیزه می‌کنند. هم‌اکنون مسجد الاقصی، قلبه‌ی دوم مسلمین- که

بحمد الله پایگاه بیداری و مبارزه نیز شده است- مورد جسارت صهیونیست‌های پلید قرار گرفته، و در فرانسه و هند نیز مسجد در معرض اهانت و تخریب واقع شده است.

مجموع این حوادث و نظایر فراوان آن، به‌روشنی این حقیقت هشداردهنده را مجسم می‌سازد که امروز قدرت‌مداران عالم و اداره‌کنندگان نظام سلطه در جهان، اسلام را خطری بزرگ می‌شمارند و تجدید حیات اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) را در ایران، نه تنها برای منافع منطقه‌ای، بلکه برای منافع جهانی خود که عملاً در حفظ و استقرار نظام سلطه- یعنی تقسیم کشورهای جهان به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر- متبلور شده است، تهدیدی جدی به حساب می‌آورند، و بر این اساس با همه‌ی توان خود به مصادف اسلام آمده، و بیش از همه با سرچشمه‌ی امیدبخش این فیض الهی- یعنی انقلاب پیروز اسلامی و نظام مقدس اسلامی در ایران- دشمنی و عناد می‌ورزند.

دانستن این حقیقت و توجه به ابعاد گوناگون آن، هوشیاری و عزم و جدیت عموم ملت ایران و مسلمانان جهان را در چگونگی مقابله با توطئه‌هایی که از سوی دشمن طراحی می‌شود، طلب می‌کند. ملت ما البته در طول ده‌ساله‌ی گذشته با انواع توطئه‌های دشمنان آشنا شده و با آنها دست و پنجه نرم کرده و بحمد الله بر بیشتر آنها فایق هم شده است؛ و سنت مسلم الهی آن است که در چنین میدانی- در میدانی که ملتی مومن و انقلابی و برحق و هوشیار و بااراده، در آن با دشمنانی مادی و زورگو و نابخق و شیطان‌صفت مبارزه می‌کند- پیروزی از آن جبهه‌ی حق است که از کمک خدا و اراده‌ی راسخ و روح فداکاری برخوردار است؛ و این همان چیزی است که ما در طول سالهای قبل و بعد از انقلاب تا امروز تجربه کرده‌ایم؛ و همان چیزی است که در سراسر تاریخ نبوتها تحقق یافته و قرآن بارها از آن خبر داده است.

#### بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۴/۰۸/۱۰

معنای نظام سلطه آن است که کشورها، ملتها و دولت‌ها یا باید سلطه‌گر باشند، یا سلطه‌پذیر. دنیا تا چند سال قبل، دوقطبی بود؛ یک طرف نظام غربی به سرپرستی و رهبری آمریکا بود، یک طرف هم نظام شرقی به سرپرستی شوروی. این دو نظام، در صد مسئله هم با یکدیگر توافق داشتند. یکی از آن مسائل حفظ نظام سلطه بود. یعنی هر دو این را پذیرفته بودند که دنیا به دو منطقه تقسیم می‌شود. باهم توافق کرده بودند که هر دو طرف به یکدیگر کاری نداشته باشند و هرکدام نظام سلطه را در مجموعه‌ی خودش مستقر کند. امروز هم که یکی از این دو قطب فروپاشید و از بین رفت، آن دیگری از فروپاشی رقیب عبرت نمی‌گیرد؛ بلکه در فکر دست‌اندازی و کسب میراث بازمانده از اوست. ببینید امروز چه غوغایی نسبت به اروپای شرقی در دنیا در گرفته و چه مسابقه‌ای بین کشورهای غربی برای تصرف کشورهای جدانشده شده از شوروی سابق، مثل کشورهای آسیای میانه برپا شده است! ببینید امروز در جمهوری آذربایجان چه خبر است! آمریکا از یک طرف، صهیونیست‌ها از طرف دیگر و بعضی از اروپاییها هم از طرفی به میدان آمده‌اند. شاید امروز سر قضیه‌ی ارتباط با آسیای میانه، دهها یا صدها هزار انسان زیر فشار و تهدید مرگند؛ به این دلیل که نظام سلطه می‌خواهد این منطقه را هم مثل بقیه‌ی مناطق دنیا ببلعد.

امروز مظهر نظام سلطه، امریکاست. هر سیئه‌ای که در دنیا براساس نظام سلطه به وجود آید، حتما بخشی از گناه آن به گردن امریکاست. معنای نظام سلطه آن است که اگر رژیم آمریکا برای خود در نقطه‌ای از دنیا منافع فرض کرد، حق دارد در آن نقطه حضور قدرت‌مندان نظامی پیدا کند و هرکسی را که با منافعش مخالفت کند، بکوبد. موضوع بر سر مشروع یا نامشروع بودن این منافع نیست. برای نظام سلطه فرق نمی‌کند؛ و لو این منافع برخلاف همه‌ی پیمانهای بین‌المللی باشد. نظام سلطه، زمانی سلطه‌جوییهای خود را مخفیانه انجام می‌دهد؛ زمانی هم با صراحت و وضوح اعلان می‌کند که فلان سازمان، دولت، جمعیت یا حرکت، با منافع ما تضاد داشته است و این بهانه حقی برای آمریکا ایجاد می‌کند که آن سازمان، شخص، دولت و ملت را بکوبد. این قانون جنگل و نظامی غیر انسانی برخلاف فطرت انسان است. تنها کسانی از نظر سلطه‌گر مورد قبولند که سلطه‌پذیر باشند. اگر دولتی نفت، منابع، امنیت، اقتصاد، روابط خارجی و سیاستهای گوناگون کشور خود را در اختیار سلطه‌گر گذاشت و از او نظر خواست و مطیع او بود، برای سلطه‌گر خوشایند است و آن کشور را قبول دارد. برایش فرقی نمی‌کند که این دولت، دولت ظالم است یا عادل؛ حقوق بشر دارد یا ندارد؛ در آن کشور دموکراسی هست یا نیست؛ اسم پارلمان به گوش آن ملت رسیده یا نرسیده است. به منطقه‌ی خاورمیانه نگاه کنید! دولتهایی که مورد قبول و اعتراف سلطه‌گران آمریکایی‌اند، چگونه دولتهایی هستند؟ آیا از لحاظ فکری، سیاسی، حقوق بشر و دموکراسی رشد کرده‌اند؟ اصلاً معنای دموکراسی را می‌فهمند؟ مردم آن‌ها معنای انتخابات را می‌دانند؟ آیا در این کشورها فضای نفس کشیدن وجود دارد؟ این موضوعات برای مسئولین کشور سلطه‌گر- یعنی آمریکا- اهمیتی ندارد. مهم این است که این کشورها تسلیم آن سلطه‌گرند و همین کافی است. اما اگر کشور، جمعیت و سازمانی با هر ملیت و خصوصیتی، تسلیم سلطه‌گر نشد، در هرکجای دنیا باشد در خور آن است که ضربه بخورد و مورد حمله قرار گیرد. درگیرها را ببینید! دوستیها و دشمنیها را ببینید! مقابله با نظام جمهوری اسلامی را مشاهده کنید! نظام سلطه‌گر در صورت تسلیم نشدن کشورها و ملتها، ارتکاب هر جنایتی علیه آنها را بلامانع می‌داند.

#### بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۴/۰۸/۱۴

انقلاب اسلامی آمد، ناگهان یکجا این را از دست این‌ها گرفت. این، یک ضربه بر بیکر آمریکا بود. سیاست این‌گونه است که فوراً دستگاه‌های سیاسی، خود را با واقعیت وفق می‌دهند. رژیم آمریکا ضربه را خورد؛ لیکن به فکر افتاد که با این واقعیت خودش را وفق دهد. گفتند چه کار کنیم؟ نقشه این شد که کاری کنند کسانی در این کشور با عنوان انقلاب بر سر کار بیایند، که رسماً انقلابی باشند، اما باطناً همان ارتباطات و روابط حسنه و بتدریج همان سلطه‌پذیری را داشته باشند اول کار، همین هم شد و می‌خواست بیشتر بشود. اگر حضور قوی و تعیین‌کننده‌ی امام نمی‌بود، همان‌طور هم می‌شد. حادثه‌ی سیزدهم آبان پنجاه و هشت هم البته ضربه‌ی محکمی زد؛ امام هم مثل کوه استوار ایستادند. آنچه را که آن‌ها فکر می‌کردند، به‌عکس شد؛ یعنی نه فقط انقلاب به رنگ امریکایی درنیامد، بلکه روح استقلال‌طلبی و جدایی از نفوذ روزافزون آمریکا در مردم تقویت شد. این موجب شد که رژیم آمریکا به‌طور دائم علیه ملت ایران توطئه کند.

#### بیانات در دیدار جمعی از پرسنل نیروی هوایی / ۱۳۷۷/۱۱/۱۹

هیچ‌کس منتی بر سر ارتش جمهوری اسلامی ایران ندارد. هیچ کس دست ارتش را به‌سوی انقلاب و اسلام و نور هدایت نگرفته است و نکشیده است. همه ما منت‌پذیر انقلاب و اسلامیم. اسلام به گردن همه ما حق دارد. انقلاب به گردن همه ما حق دارد که ما را از دوران تلخ اسارت و وابستگی و بی‌حالی و عدم امکان بروز استعدادها و قبول سلطه بیگانگان خارج نمود و به دورانی وارد کرد که اگر دشواری و سختی‌ای هم داشته باشد، در راه ایجاد یک دنیای بهتر و برای ایستادن روی پای خود است. ارتش از جمله اجزایی از این ملت بود که با شوق خود، با پای خود، به میل خود، با ابتکار خود، با قبول خطرها، به سمت انقلاب آمد، انقلاب را در آغوش گرفت و در انقلاب حل شد و مظهر آن، روز نوزدهم بهمن ۱۳۵۷ بود.

#### بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک / ۱۳۷۹/۰۸/۲۲

امروز هرکس به جغرافیای سیاسی و فرهنگی عالم نگاهی بیندازد، حقیقتی را مشاهده می‌کند. آن حقیقت این است که امروز جهان از فطریات سلطه تشکیل شده است؛ مجموعه‌هایی که بر روی هم متاسفانه یک نظام سلطه‌ی جهانی را در این دوران به وجود آورده‌اند. نظام سلطه چیست؟ نظام سلطه این است که بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌گر و بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌پذیرند. رسم بر این است که امروز کشورهای جهان را به شمال و جنوب تقسیم می‌کنند.

کشورهای شمال یعنی کشورهای ثروتمند و کشورهای جنوب یعنی کشورهای فقیر یا کشورهای توسعه یافته و کشورهای رو به توسعه. در دوره‌های قبل هم تقسیمات دیگری می‌کردند. من در آن زمان که شوروی سابق هنوز بود و دنیا را به بخشهای سه‌گانه تقسیم می‌کردند، در یک مجمع جهانی این حرف را زدم؛ امروز هم که شوروی‌ای وجود ندارد و قطبهای دوگانه‌ی متضاد قدرت در دنیا به آن صورت نیست، همان عقیده را دارم. هرچه زمان می‌گذرد، این حرف بیشتر تایید می‌شود؛ و آن حرف این است که جهان دو بخش دارد: یک بخش سلطه‌گر، یک بخش سلطه‌پذیر. بخش سلطه‌گر لزوماً کشورهای نیستند که از ثروت‌های طبیعی برخوردار باشند؛ بخش سلطه‌پذیر هم لزوماً کشورهای نیستند که همه فقیر باشند. کشورهای آفریقایی بر روی دریاها یا از منابع طبیعی بسیار لازم برای مردمانشان زندگی می‌کنند. در آنجا الماس هست، مواد معدنی بسیاری هست که بشر به آن احتیاج یا اشتیاق دارد. این ثروت طبیعی مال آنهاست؛ بنابراین فقیر نیستند؛ اما ابزار سلطه از این جادوگری‌ها بسیار می‌کند؛ یک ملت فقیر را به صاحب ثروت کلان تبدیل می‌کند؛ اما ملت‌هایی را که از ثروت‌های بزرگ طبیعی برخوردارند، به کشورهای بی‌بهره تبدیل می‌کنند؛ یک ملت فقیر را به صاحب ثروت کلان تبدیل می‌کند؛ اما ملت‌هایی را که از ثروت‌های بزرگ طبیعی برخوردارند، به کشورهای بی‌بهره تبدیل می‌کنند. این تقسیم دوگانه است؛ یک بخش، قدرت‌های سلطه‌گرند که در کشورهای حکومت می‌کنند؛ یک بخش، سلطه‌پذیرند. من نمی‌خواهم بگویم همه‌ی کسانی که سلطه‌گر نیستند، سلطه‌پذیرند؛ نه، کشورهای هستند که سببشان بر این است که سلطه‌پذیری نکنند و سلطه‌ی سلطه‌گران را نپذیرند؛ اما اگر بتوانند، بیشتر در جنبه‌ی اقتصادی از تسلط بیگانه فرار می‌کنند؛ یا اگر بتوانند، در جنبه‌ی سیاسی از تسلط بیگانگان می‌گریزند؛ اما در جنبه‌ی فرهنگی، سلطه‌ی سلطه‌گران را پذیرفته‌اند. این واقعیتی است که باید انسان آن را درست درک کند. با انکار واقعیتها هیچ‌کس نمی‌تواند به نتیجه برسد.

من به شما عرض کنم: تسلط فرهنگی از تسلط اقتصادی و از تسلط سیاسی هم خطرناک‌تر است. چرا؟ چون وقتی یک ملت بر ملت دیگر تسلط فرهنگی پیدا کرد، هویت ملتی که زیر سلطه است، از بین می‌رود. شما فرض کنید یک انسان اصیل نجیب خانواده‌داری که دارای نیاکان و خانواده‌ی بسیار باشرفتی است. اگر کسی بخواهد از او نوکری بگیرد، به آسانی نمی‌تواند؛ چون او به شرافت خانوادگی خود متکی است و حاضر نیست کارهای پست انجام دهد. راه اینکه بتوانند او را به کارهای پست وادار کنند و از او نوکری بی‌مزد و منت بگیرند، این است که شخصیت او را، خانواده‌ی او را، سابقه‌ی او را، هویت او را و تاریخ او را از یاد او ببرند تا فراموش کند کیست و چه شخصیتی دارد. آن‌گاه همه‌گونه می‌توانند در او تصرف کنند؛ همه‌گونه می‌توانند بر سر او دست دراز کنند. یک ملت نیز همین‌طور است. اگر یک ملت را از تاریخش، از گذشته‌اش، از فرهنگش، از شخصیتش، از مفاخر علمی و دینی و سیاسی و فرهنگی‌اش جدا کردند و از یادش بردند زبانش را از او گرفتند، الفبایش را از او گرفتند، کتابش را از او گرفتند، سابقه‌ی فرهنگی‌اش را از او گرفتند این ملت آماده خواهد شد که هرچه می‌خواهند بر سرش بیاورند. این ملت دیگر جان پیدا نمی‌کند؛ مگر اینکه شخصیت‌های برجسته‌ای در آن ظهور کنند. این بلا را بر سر بسیاری از کشورها آورده‌اند.

محور سلطه در دنیا، امروز دستگاه‌های بسیار خطرناک و بسیار بی‌رحمی هستند که مجموعه‌ی کارتلها و تراستها یعنی شرکتها و کمپانیهای اقتصادی را در سرتاسر دنیا تشکیل می‌دهند و بیشترین تسلط را هم این‌ها بر دولت آمریکا دارند. اینکه ما آمریکا را یک دولت مستکبر می‌دانیم؛ اینکه ما وقتی می‌گوییم استکبار جهانی، به ذهن همه دولت آمریکا خطور می‌کند؛ این به خاطر آن است که تسلط دستگاه‌های استکباری سوذجوی قدرت‌طلب زرسالار عالم بر آن حکومت از همه جا بیشتر است و همه‌ی ابزارهای علمی و تسلیحاتی و سیاسی آن دولت در راه استثمار ملتها به کار می‌رود.

نکته‌ی اصلی‌ای که مورد نظر من است، این است: برادران و خواهران عزیز من! بخصوص جوانان عزیز! توجه داشته باشید، امروز در دنیا دولتی که در کنار ملت خود با سلطه‌ی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی استکبار مقابله و در مقابل آن مقاومت می‌کند، دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران است. امروز همه‌ی خصومت و منازعه‌ای که شما علیه ایران در مراکز قدرت جهانی مشاهده می‌کنید، به خاطر همین است. بقیه حرف‌ها بهانه است؛ حقوق بشر بهانه است؛ حرف‌هایی که با تبلیغات خودشان در داخل منتشر می‌کنند، بهانه است؛ میل به دمکراسی و اشاعه‌ی مردم‌سالاری که آن‌ها ادعا می‌کنند دروغ و بهانه است. اصل قضیه همین است؛ دستگاه سلطه در دنیا نمی‌تواند ببیند که دولتی در کنار ملت خود با سلطه‌ی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی استکبار مبارزه می‌کند.

البته ملتها در همه جای دنیا همین احساسات شما را کم‌وبیش دارند. ملت‌هایی که آگاهی داشته باشند، همین احساسات را دارند؛ مگر اینکه آگاه نباشند یا بسیار غرق در فساد باشند؛ و الا این احساسات در بسیاری از ملتها هست. بعضی از دولتها هم می‌خواهند با ملتها خودشان همراهی و همکاری کنند؛ اما نمی‌توانند و جرات نمی‌کنند. حکومت‌هایی که از پشتوانه‌ی مردم برخوردار نیستند، به وسیله‌ی همین دستگاه سلطه‌ی جهانی تهدید می‌شوند. به آن‌ها می‌گویند علیه‌تان تبلیغات می‌کنیم، شما را ساقط می‌کنیم. آن‌ها هم برای حفظ قدرت خود چون به ملتهاشان متکی نیستند تسلیم خواسته‌های استکبار می‌شوند. امروز خصوصیت ایران اسلامی این است که ملت و دولت و مسئولان و همه‌ی آحاد کشور با یکدیگر در یک جهت حرکت می‌کنند. نظام جمهوری اسلامی چون متکی به مردم است، لذا نه از آمریکا و نه از هیچ قدرت استکباری دیگری هیچ واژه‌ای ندارد.

سوال اول این است که چرا در مقابل سلطه‌گران ایستادگی و مقاومت می‌کنیم؟ چرا تسلیم آن‌ها نمی‌شویم؟ البته جواب این سوال ساده است. جواب این است که اگر استکبار و دستگاه سلطه توانست بر کشوری تسلط یابد و در آن نفوذ پیدا کند، منافع آن ملت، دیگر نادیده گرفته خواهد شد. منافع مادی، منافع اقتصادی، خواسته‌های معنوی و رشد و اعتلای فرهنگی از بین خواهد رفت و مثل وضعیت دوران قبل از انقلاب خواهد شد که یک حکومت دست‌نشانده در اینجا حاکم بود. بنابراین ملت ایران ناگزیر است برای آینده و برای سعادت خود، در مقابل دشمن سلطه‌گر، مقاومت و ایستادگی کند و راهی را که به سوی کمال و سعادت اوست، با قدرت بییماید.

سوال بعدی این است که آیا ملت ایران این قدرت را دارد یا نه؟ آیا ملت ایران می‌تواند بی‌اعتنا به فشارهای مراکز سلطه‌ی جهانی، با تکیه بر هویت و بر تواناییهای خود ایستادگی کند و راه کمال و تعالی مادی و معنوی خود را بییماید؟ این سوال مهمی است. جواب این سوال از نظر ما بسیار مسلم و قطعی است و در آن تردید نداریم. جواب این است که بله، می‌تواند. علی‌رغم تبلیغاتی که دشمن به وسیله‌ی دهها رسانه‌ی مکتوب و مسموع و تصویری در سرتاسر دنیا می‌کند و می‌خواهد اصرار بورزد بر اینکه ملت ایران و هیچ ملتی نمی‌تواند در مقابل ما بایستد؛ ملت ایران می‌تواند. به چه دلیل؟ به دو دلیل: اول اینکه تواناییهای ذاتی و استعداد‌های درونی این ملت بسیار زیاد است که من به بعضی از آن‌ها مختصراً اشاره خواهم کرد. دلیل دوم این است که دشمن با همه‌ی تظاهر به قدرت‌نمایی، ضعیف است؛ دلیل این را هم خواهم گفت و به نمونه‌های ضعف دشمن اشاره خواهم کرد.

### پیام به کنگره جامعه اسلامی دانشجویان در مشهد / ۱۳۸۰/۰۴/۱۰

دل بی‌آلایش جوان، هنگامی که با نور ایمان و فروغ اندیشه‌ی عالمانه روشن شود گنجینه‌ی الهی است که فرآورده‌های آن، امروز و فردای کشور را بهره‌مند می‌سازد. در مرحله‌ی کنونی، آنچه می‌باید پس از تحصیل علم، در صدر فعالیت‌های دانشجویی قرار گیرد، ارتقا فکری دانشجویان در زمینه‌ی فرهنگ و سیاست است. امروز هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که فوری‌ترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر پایگاه‌های فرهنگی در کشور است. آنان در صدند بدین وسیله، باورهای اسلامی و انقلابی را که اصلی‌ترین عامل ایستادگی ملت ایران در برابر نظام سلطه‌ی استکباری است، از ذهنها و دلها بزدايند و باورهای سلطه‌پذیری و فرودستی در برابر غرب را به جای آن نشانند. تلاش آشکار از سوی واسطه‌ها و دست‌نشانندگان امپراتوریهای زر و زور، در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی برای تردیدافکنی در مبانی اسلام و انقلاب، امروز افراد دیر باور را نیز به دغدغه افکنده است، و کسانی که دیروز هشدار در برابر شیخون فرهنگی را جدی نمی‌گرفتند، امروز آن را به چشم خود می‌بینید. بی‌شک نخستین آماج این شیخون، جوانان‌اند، به‌ویژه آنان که در جاده‌ی دانش و فرزانیگی قدم برمی‌دارند و آینده‌ی فرهنگی و

سیاسی کشور در دست آنها است. درست است که دشمن به رغم تلاش و هزینه فراوان، نتوانسته است به محصول مورد نظر خود دست یابد، ولی به روشنی می‌دانیم که مهم‌ترین پاسخ کوبنده بدخواهان، معرفت و ایمان روشن‌بینانه و قدرت تحلیل سیاسی است، و این‌ها همان است که تشکلهای دانشجویی شایسته‌ی همت گماشتن و پرداختن به آن می‌باشند.

شما جوانان عزیز می‌توانید اثر انگشت دشمن را در بسیاری از مسائلی که امروزه در فضای سیاسی و فرهنگی مطرح است، مشاهده کنید و نشانه‌های هدفمندی این مسائل و جریان‌ها را بسوی تغییر باورهای اسلامی و انقلابی ببینید. این واقعیت باید سمت و سوی فعالیتهای جامعه‌ی اسلامی دانشجویان و دیگر تشکلهای اسلامی دانشجویی را ترسیم کند.

در این راه، آموختن دین و سیاست از انسانهای امین و آگاه و نیز رعایت پرهیزگاری و پارسائی در کار شخصی و جمعی، و البته کمک و راهنمایی طلبیدن از خداوند دانا و مهربان، خط روشن و مسیر بی‌ضلالت است.

#### بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از پرسنل نیروی هوایی / ۱۳۸۰/۱۱/۱۸

سردمداران آمریکا گله می‌کنند که چرا ملت ایران از ما متنفر است. فقط ملت ایران از شما متنفر نیست. همه‌ی دنیا از شما نفرت دارند؛ ملت‌ها از شما نفرت دارند. شما در امریکای لاتین مورد تنفر نیستید؟! شما در سرتاسر آسیا میان ملت‌ها مورد تنفر نیستید؟! شما حتی در خود اروپا مورد تنفر ملت‌های اروپا هستید! شما برای خودتان چه گذاشته‌اید تا ملت‌های جهان و انسانها از شما متنفر نباشند؟ یک رژیم مستکبر، متکبر، زورگو و مزور، چه توقعاتی دارد که ملت‌های دنیا به او محبت بورزند؟! مگر چنین چیزی ممکن است؟!

بله؛ ملت ایران با کسی ابتدائاً سر جنگ ندارد؛ اما از مداخله‌گر و سلطه‌طلب متنفر است. از مرکز قدرتی که بخواهد منافع این ملت را در مقابل منافع نامشروع خود نادیده بگیرد و لگدمال کند، متنفر است. از کسانی که پرچم دموکراسی و آزادی و حقوق بشر را بلند می‌کنند، اما از رژیم‌های مثل اسرائیل که صددرصد ضد حقوق بشر است، این‌گونه دفاع می‌کنند و در افغانستان آن رفتار را می‌کنند و با اسرای جنگی خود آن رفتار را می‌کنند و با ملت‌های دنیا آن رفتار را می‌کنند، متنفر است.

ملت ایران بیدار است. دل‌های پر از ایمان این ملت، به یکدیگر متصل و مرتبط است. ملت ایران دارای آرمان‌ها و هدفهای بلند است. ملت ایران در طول سال‌های متمادی، طعم ذلت و تحقیرشدگی را در دوران رژیم وابسته‌ی پهلوی چشیده است. برای ملت ایران بازگشت به دوران تحقیر به وسیله‌ی قدرتهای بزرگ، امکان‌پذیر نیست. این ملت بیدار شده است و طعم عزت را در سایه‌ی انقلاب اسلامی و نظام اسلامی چشیده است. بله؛ هرکس بخواهد حیثیت و هویت ملت ایران را مخدوش کند، مورد تنفر ملت ایران است.

همه در دنیا بدانند، ملت ایران ابتدائاً متعرض نمی‌شود؛ چون ما سلطه‌طلبی را هم مثل سلطه‌پذیری زشت می‌دانیم. نه سلطه می‌پذیریم و نه خودمان طالب سلطه‌ایم؛ اما هرکس به این ملت تعرضی کند و منافع او را تهدید نماید، مورد عکس‌العمل تند و پشیمان‌کننده‌ی این ملت قرار خواهد گرفت.

#### بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی / ۱۳۸۱/۱۱/۲۸

یک ملت برای اینکه از فقر، ذلت، زیر سلطه ماندن، بی‌سوادی و از همه‌ی آثار نکبت‌بار تسلط طواغیت نجات پیدا کند، به همین چیزها احتیاج دارد. چنین ملتی باید آگاه و بیدار باشد، قدرت تحلیل داشته باشد، به‌موقع همه چیز را بفهمد و به‌موقع اقدام کند، دین- که مایه‌ی قوت یک انسان در همه‌ی میدان‌های زندگی است- در آن ملت عمیق باشد، غیرت که مایه‌ی حفظ هویت دینی و ملی یک ملت است، در او زنده باشد و تنبیل و تن‌پرور نباشد. این صفات در شما مردم هست. در گذشته بود، امروز هست و به فضل الهی در آینده هم خواهد بود. با همین خصوصیات بود که ملت ایران پیروز شد و امروز دشمنان این ملت می‌خواهند با همین خصوصیات مبارزه کنند. مبارزه‌ی امروز استکبار با همین چیزهایی است که موتور حرکت یک ملت است؛ مبارزه با آگاهی مردم است، مبارزه با غیرت دینی و ملی مردم، وحدت مردم، ایثارگری و مقاومت مردم است. امروز مبارزه‌ی دشمن، مبارزه‌ی تبلیغاتی است و بوق‌های تبلیغاتی دشمن همه‌ی فضاهای ممکن را علیه ملت ایران پر می‌کند. اما ملت ایران دست از ارزش‌های اصیل خود برنداشته و برنمی‌دارد. امسال بیست و دوم بهمن را دیدید؟! بگذارید خیرگزاری‌ها کتمان و انکار کنند. از خود ملت ایران که نمی‌توانند کتمان کنند! امسال درست در همان وقتی که سردمداران استکبار جهانی و کاخ‌نشینان کاخ سیاه انتظار داشتند که مردم خاطره‌ی انقلاب را به یاد نیآورند و مورد اعتنا قرار ندهند، مردم در همه‌ی شهرهای کشور با قوت و قدرت و نشاط و اهتمام به میدان آمدند و نشان دادند که بیدار و آگاهند؛ به راه خود مومن و به استقلال و عزت و افتخار خود علاقه‌مند هستند.

همه‌ی دعوای انقلاب با مراکز قدرت جهانی سر همین یک‌کلمه است. آن‌ها می‌گویند بگذارید ما بر کشور شما مسلط شویم و منافع خودمان را تامین کنیم؛ شما هرچه شدید، شدید. اگر در علم عقب افتادید، بیفتید؛ اگر به خاک سیاه نشستید، بنشینید؛ اگر تحقیر شدید، بشوید و اگر ناموس و شرف و حیثیت ملی و گذشته و تاریخ شما پایمال شد، بشود. این‌ها مهم نیست، مهم این است که مراکز قدرت، امریکا و صهیونیستها به منافعتشان برسند! حرف آن‌ها این است. در مقابل، حرف ملت ایران این است که ما اجازه نمی‌دهیم که شما دزدان سرگردنه و وحشیهای در لباس متمدن، در کشور ما به آرزوهای خودتان برسید. ملت ایران با حضور خود در صحنه در این بیست و چهار سال، آشکارا و با همه‌ی وجود به مراکز قدرت جهانی و طمع‌ورزان دنیا گفته و ثابت کرده است که حتی یک‌قدم عقب نخواهد نشست.

#### بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان / ۱۳۸۲/۰۶/۲۶

اسلام اجازه نمی‌دهد ملت‌های مسلمان زیر بار زور و سلطه بروند و لگدکوب شوند. شخصیت و عزت و رشد انسان اسلامی در هر شرایطی باید محفوظ بماند؛ این‌ها در درون اسلام است. اسلام وقتی به عنوان برنامه‌ی زندگی مطرح شد، این‌ها هم مطرح می‌شود. جامعه‌ی ما بحمد الله از میلیون‌ها جوان دختر و پسر برخوردار است. این مایه‌ی افتخار برای ملت ماست. این ملت باید به وجود این همه جوان، این همه استعداد و این همه دل پاک و نورانی ببالد و جوان هم باید به کشور خود، به انقلاب خود، به نظام اسلامی خود و به پرچم برافراشته‌ی اسلام خود ببالد و آینده را بسازد. آینده با حرف ساخته نمی‌شود؛ با کار هوشمندانه و مومنانه ساخته می‌شود. باید کار کنید؛ آن هم کار هوشمندانه و برخوردار از پشتوانه‌ی ایمان، جوانانی که امروز شما می‌بینید ناگهان در قالب یک کار بزرگ فنی و یا ایجاد یک فناوری بزرگ ظاهر می‌شوند، مدت‌ها مومنانه تلاش و کار کرده‌اند و ناگهان در عرصه‌های علم این‌طور ظاهر شده‌اند. شما هم می‌توانید. به علم و کلاس درس و مطالعه و تحقیق و پژوهش اهمیت دهید. من در این زمینه‌ها به مدیران و مسئولان هم سفارش می‌کنم؛ اما این سفارش جداست و آن را جداگانه به خود آن‌ها می‌گویم. به شما جوانان هم به عنوان

فرزندان عزیز و پاره‌های دل این ملت جداگانه می‌گویم؛ عزیزان من! کار کنید. امروز دشمنان نمی‌خواهند دانشگاه و درس و مدرسه و معلم باشد. دشمنان ما نمی‌خواهند میلیون‌ها جوان با درس خواندن و حفظ ایمان و رستگاری و پارسایی و پاک‌دامنی‌شان، در این منطقه فردای شکوه‌مندی را برای ایران مقتدر به وجود آورند. می‌دانند اگر این نیروی عظیم این‌طور کار کند، فردای نه‌چندان دوری، عظمتی از این منطقه سر خواهد آورد که دشمنان از اینکه بتوانند به آن زور بگویند، مایوس خواهند بود. من اصرار دارم که شما نقطه‌ی مقابل این خواست استعماری و استکباری عمل نمود، ایمان و پاک‌دامنی‌تان را حفظ کنید، درستان را خوب

بخوانید و جوانی‌تان را قدر بدانید. این نیرو و این نشاط باید در راه به‌دست آوردن این ارزشهای والا خرج شود؛ وقتش هم الآن است. شما امروز در سالهای طلایی عمر خود قرار دارید و خدای متعال هم به شما کمک خواهد کرد. از این فرصت خوب زندگی و از دامان گرم و مهربان نظام اسلامی و انقلاب اسلامی- که بحمد الله توانسته این‌همه جوان مومن و خوب را در درون خود پرورش دهد- بهترین استفاده را بکنید. همان‌طور که گفتیم، جوانان ما خوبند. خطاها و لغزشها وجود دارد؛ مخصوص جوانان هم نیست. جوانان این امتیاز را دارند که می‌توانند با استغفار و بازگشت به آغوش خداوند و رحمت الهی، هرگونه آلودگی را از دامان خود پاک کنند. کار جوانان از این جهت آسان‌تر از سالخورده‌گان است. البته جوانی که سعی کند به گناه و لغزش آلوده نشود، توفیقات و نورانیت و درخشندگی او بسیار بیشتر خواهد بود؛ همه‌ی تلاش‌تان باید این باشد.

#### بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی / ۱۳۸۲/۰۴/۰۱

در باره‌ی مسأله‌ی علم و تحقیق باید بگویم که عمده‌ی موضوعهایی که قدرتهای سلطه‌گر در نظام سلطه‌ی جهانی برای حفظ این رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر رویش تکیه می‌کنند، سه موضوع است: سلطه‌ی فرهنگی، سلطه‌ی اقتصادی، سلطه‌ی علمی. لازمه‌اش هم این است که نگذارند آن‌طرف سلطه‌پذیر یا آن کسی که سلطه بر او تحمیل شده، در این سه زمینه به استقلال و به خودباوری و به پیشرفت برسد؛ نه در زمینه‌ی مسائل فرهنگی، شامل ایمان و اعتقاد و فرهنگی به معنای خاص؛ ارزشها و هدفها و جهت‌گیریها؛ نه در زمینه‌ی اقتصادی، و نه در زمینه‌ی علمی.

کشورهای تحت سلطه هرگز یک اقتصاد درست و حسابی نداشته‌اند. گاهی یک رونق ظاهری داشته‌اند، که می‌بینید در بعضی از کشورهای تحت سلطه رونق ظاهری دارند؛ اما ساخت اقتصادی خراب است؛ یعنی اگر یک شیر را رویشان ببندند؛ یک حساب را مسدود کنند، یا تصرف اقتصادی کنند، همه چیز فروخواهد ریخت و نابود خواهند شد. شما دیدید که یک سرمایه‌دار توانست چند کشور آسیای جنوب شرقی را در مدت دو سه ماه به ورشکستگی برساند؛ آن هم دو سه کشوری که توسعه‌ی نسبتاً خوب و رونق اقتصادی داشتند. رئیس یکی از همین کشورها در همان روزها به‌مناسبتی به تهران آمده بود و با بنده ملاقات کرد و گفت همین قدر به شما بگویم که ما در یک شب بکلی فقیر شدیم! یک سرمایه‌دار آمریکایی، یهودی مثل نخعی که به‌یکباره می‌کشند و یک بنا؛ بنای عروسکی، روی هم می‌ریزد، عمل کرد و یک نخ را کشید و همه چیز را به هم ریخت. آمریکاییها آنجایی که لازم داشتند، پنجاه، شصت میلیارد تریلیون کردند- پنجاه میلیارد به یکی، سی میلیارد به یکی دیگر- اما آنجایی که لازم نداشته باشند، تریلیون نمی‌کنند و آن کشور را به خاک سیاه می‌نشانند. البته تریلیون کردن یعنی اینکه دوباره همان ساخت عروسکی را به شکل دیگری برپا کنند. به‌هرحال، نمی‌گذارند اقتصاد این کشورها استحکام پیدا کند.

در رابطه با فرهنگ کشورهای تحت سلطه، اولین کاری که سلطه‌گران می‌کنند- که از قدیم مرسوم بوده است- این است که فرهنگ این کشورها را؛ زبانشان، ارزشهایشان، سنتها و ایمانشان را با تحقیر، با فشار، با زور، و در موافقی به‌زور شمشیر و درآوردن چشم- که در تاریخ مواردی از آن را داریم- نابود می‌کردند و نمی‌گذاشتند که مردم به زبان خودشان تکلم کنند؛ برای اینکه زبان وارداتی را قبول کنند. وقتی انگلیسی‌ها به شبه قاره هند آمدند، زبان فارسی را که زبان دیوانی رایج بود، نگذاشتند پابرجا بماند و با گلوله و با فشار گفتند که حق ندارید فارسی حرف بزنید؛ فارسی را منسوخ کردند؛ انگلیسی را به جایش آوردند. در دوره‌ی حکومت سیاه پهلوی‌ها هم باورهای مذهبی و عمومی و نیروبخش به جامعه؛ ایمان و اعتقادات، را از مردم بتدریج بیرون کشاندند و غیرت‌زدایی و ایمان‌زدایی کردند.

یکی از موضوعهایی که نمی‌گذارند در کشورهای زیر سلطه رشد کند و به‌شدت مانع آن می‌شوند، مسأله‌ی علم است؛ چون می‌دانند علم ابزار قدرت است. خود غربی‌ها با علم به قدرت رسیدند؛ این یکی از پدیده‌های تاریخ بود. البته علم بین شرق و غرب دست به دست گشته و برای مدتی هم آن‌ها در جهالت بودند. در همان دوره‌ی قرون وسطا، که خودشان توصیف می‌کنند، در این طرف دنیا وقت شکوفایی علم بوده است؛ اما بمجردی که آن‌ها به علم رسیدند، از علم به صورت یک ابزار برای اقتدار و کسب ثروت و گسترش سلطه‌ی سیاسی و جذب ثروت ملتها و تولید ثروت برای خودشان استفاده کردند و از آن ثروت باز تولید علم کردند و علم را بالا بردند و دانش خودشان را رشد دادند. آن‌ها می‌دانند که علم چقدر در قدرت بخشیدن به یک ملت و به یک کشور، تأثیر دارد، لذاست که اگر بخواهند نظام سلطه؛ یعنی رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر باقی بماند و حاکم بر نظم جهانی باشد، باید نگذارند آن بخشی که آن‌ها مایلند سلطه‌پذیر باشند، دارای علم شوند؛ این یک استراتژی است که بربرگرد ندارد و الآن رفتارشان هم در دنیا بر همین منوال است؛ لذا باید برای کسب علم و تحقیق جهاد کرد؛ باید کار کرد.

#### بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی / ۱۳۸۲/۰۴/۰۱

آنچه امروز جنجال آمریکا بر علیه ایران را به وجود آورده و این‌ها را دستپاچه کرده، این است که این‌ها دارند می‌بینند که ایران نیروگاه هسته‌یی را به وجود آورده و می‌تواند برق هسته‌یی تولید کند و سوخت و خوراک آن را هم خودش در داخل تولید می‌کند. این، اولین نقطه‌ی نگرانی این‌هاست. من یک‌وقت گفتم که اگر نفت در اختیار آن‌ها بود و ما احتیاج به نفت داشتیم، یک بطری نفت را به قیمت پدر و مادرشان به ما می‌فروختند. این‌طور نبود که یک بشکه‌ی نفت را مثلاً فرض کنید بیست، سی یا سی و پنج دلار- و در واقع مفت- که ما الآن داریم می‌فروشیم، بفروشند. ولی می‌بینید که کشورهای دارای نفت، سرمایه‌ی تجدیدنشدنی خودشان را تبدیل می‌کنند به یک پول ناقابل. این‌ها می‌خواهند همین معادله را در مسأله‌ی سوخت اتمی به وجود بیاورند؛ یعنی کاری کنند که اگر ما نیروگاه اتمی هم داریم، برای سوختش محتاج آن‌ها باشیم.

نقطه‌ی دوم نگرانی آن‌ها این است که از این ناراحتند که این دانش در داخل رشد کرده و روئیده است؛ یعنی در واقع بومی است. البته این به معنای آن نیست که ما این دستگاه را اختراع کردیم؛ نه، بلکه به این معناست که ما برای فراگیری این کار در خانه‌ی آن‌ها نرفتیم. محققان جوان خودمان- همین جوانهایی مثل شما- و صدها مغز متفکر و خوش‌فکر توانسته‌اند این دستگاه عظیم را راه‌اندازی کنند و به نتیجه برسانند؛ دانش را در میان خودشان بارور کنند؛ فناوری را به وجود بیاورند و در خانه‌ی این و آن نروند؛ این یکی از نگرانی‌های آن‌هاست؛ چرا، چون می‌بینید این درست برخلاف آن فلسفه‌ی استکباری است که کشورهای که می‌خواهند تحت سلطه باشند، نباید در دانش و فناوری استقلال داشته باشند؛ باید دستشان دراز باشد؛ محتاج آن‌ها باشند. آن‌ها می‌دانند که اگر امروز کشور و ملت ایران توانست بر قله‌ی این فناوری بنشیند، سخن حق او در دنیا که همان استقلال امت اسلامی و عزت اسلامی است، بیشتر در بین مسلمانها و در جوامع اسلامی جایگزین خواهد شد و ذهن‌ها بیشتر آن را قبول خواهند کرد؛ از این ناراحتند؛ لذا جنجال می‌کنند. بنابراین حقیقت قضیه غیر از آن چیزی است که آن‌ها می‌گویند.

#### بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه / ۱۳۸۲/۰۵/۲۵

اصول سیاست خارجی ما از اصول انقلاب ما جدا نیست. ما کار کوچکی که نکرديم؛ ما حادثه و پدیده‌ی جدید و عظیم و عمیق و ماندگاری را به وجود آورده‌ایم که انقلاب اسلامی و ایجاد نظام جمهوری اسلامی است. ما چه در اول انقلاب اصول سیاست خارجی خودمان را تدوین کرده باشیم و چه نکرده باشیم، نفس ایجاد این حرکت و پدیده‌ی جدید، در بطن خود تکلیف ما را در مسائل سیاست خارجی روشن کرده است. ما همچنان که نظام سلطه را در درون کشورمان با انقلاب به هم زدیم، نظام ارباب- رعیتی سیاسی و اجتماعی را به هم زدیم، دید ما در مسائل جهانی هم همین است؛ ما با نظام ارباب- رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است که ما این ایده‌ی مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را، به‌عنوان یک ستون مستحکم، در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولتها و ملتها استقرار دهیم. امروز یک‌جانبه‌گرایی و انحصار ابرقدرتی آمریکا مطرح و تکرار می‌شود، که البته موضوع کاملاً منفی‌بی است؛ اما اگر یک‌جانبه‌گرایی نباشد و ابرقدرتی هم منحصر به آمریکا نباشد- مثل آن‌روزی که آمریکا و شوروی ابرقدرت بودند- بازهم با نظام سلطه مخالفیم. ما آن‌روز



هم مخالف بودیم، امروز هم مخالفیم؛ این سیاست جمهوری اسلامی است. ما روابط ناشی و برآمده از نظام سلطه در سیاست بین‌المللی را رد می‌کنیم؛ قبول نداریم. خودمان هم در هویت و شخصیت جمهوری اسلامی مانع می‌شویم از اینکه وارد نظام سلطه شویم و اجازه دهیم که بر ما سلطه‌یی به وجود بیاید یا خود ما بخواهیم سلطه‌گری کنیم. ما این فکر را در دنیا ترویج و منعکس می‌کنیم و بر اساس آن کار می‌کنیم؛ این اساس سیاست ماست.

در مقدمه قانون اساسی ما دفاع از مسلمانان و محرومان به صراحت ذکر شده است؛ ما دفاع از مسلمانان و دفاع از ملت مظلوم را جزو سیاست‌های اصولی خودمان می‌دانیم و از آن عدول نمی‌کنیم. استحکام و عمق فکر دفاع از یک ملت مظلوم در سیاست ما بمراتب بیشتر از عمق سیاست دفاع از صهیونیسم در مجموعه‌ی سیاسی دولتی مثل امریکاست. آن‌ها جزو اصول سیاسی‌شان- البته با تفاوت‌هایی- دفاع از دولت، حکومت و اشغال صهیونیستی است؛ از این دست‌بردار هم نیستند؛ لکن این بر هیچ مبنای فکری و عقیدتی در کاوش نهایی استوار نیست؛ ولی دفاع از ملت مظلوم فلسطین یا دفاع از هر ملت مظلوم دیگر یا مخالفت با اشغالگری و تسلط نظامی، بیش از این در سیاست و در برنامه‌ی عملی ما عمق دارد؛ اما اینکه چقدر می‌توانیم یا نمی‌توانیم، و اینکه چقدر برای ما فرصت و ظرفیت وجود دارد تا آن را پیش ببریم، بحث دوم است. واقعیت آن بحث، نمی‌تواند این حقیقت را در تفکر و نگاه ما به سیاست خارجی عوض کند. ممکن است اهداف کوتاه مدت و تاکتیکی را در موردی پیدا کنیم و از آن‌ها استفاده کنیم، که این بستگی دارد به اینکه چقدر توانایی و هوشمندی و کاردانی و سرعت عمل و سرعت انتقال می‌توانیم به خرج دهیم؛ اما این موضوع، نمی‌تواند آن نگاه و سیاست اساسی ما را، در زمینه‌ی مسائل عالم و صحنه‌ی عمومی روابط بین‌المللی، عوض کند. ما طرفدار اسلام و طرفدار مسلمانان و طرفدار بیداری اسلامی هستیم و با تغذیه‌ی قدرتهای استثمارگر از منابع غنی ملت‌های مظلوم مخالفیم؛ با استعمار و با استثمار مخالفیم و این مخالفت در زبان و حرف هم نیست؛ اعتقاد ما این است و قالب سیاست خارجی ما هم همین است و این- همین‌طور که گفتیم- بر اساس تفکر جمهوری اسلامی است.

#### بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۳/۰۶/۳۱

این جمهوری اسلامی، امروز در مقابل نظام سلطه‌ی جهانی ایستاده است. به تعبیر سیاستمدارها، اپوزیسیون نظام سلطه جهانی، امروز جمهوری اسلامی است. تنها جایی که تمام‌قد در مقابل این نظام سلطه که مبتنی بر دو رکن سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است- هیچ ثالثی وجود ندارد- ایستاده، جمهوری اسلامی است. کشورهای دیگر ممکن است گاهی حرفی بزنند، نمونه‌یی نشان بدهند؛ اما در مقابل این نظام سلطه نایستاده‌اند.

ما نظام شیطنانی موجود در دنیا را با اراده‌ی یک نظام صحیح، که منطبق بر عقل و بر خواست انسان‌هاست، تخطئه می‌کنیم. این نظام، نظامی است که متکی بر عدل در روابط همه‌ی انسانها با یکدیگر است؛ نه فقط در روابط انسانهای داخل کشور؛ لذا همه‌ی فراعنه‌ی علی‌ه ما ائتلاف کرده‌اند. شما ببینید که در دنیا کدامیک از فراعنه‌ی بزرگ و کوچک و از شیاطین قدونیم‌قد بودند که با جمهوری اسلامی مخالفت و معارضة نکردند؛ اما ما بالاخره برهه‌های مختلف را گذرانیدیم و امروز مشاهده می‌کنید که جمهوری اسلامی محکم در مقابل همه‌ی این‌ها ایستاده است، و نشان می‌دهد که می‌تواند بایستد. و اگر ما خودمان- که حالا بعد عرض خواهیم کرد- مقداری خودمان را جمع‌وجور کنیم، مقداری بهتر کار کنیم، بیشتر ببندیشیم و قوی‌تر عمل کنیم و جدی‌تر عزم به خرج دهیم، بسیاری از همین مشکلات و ریخت‌وپاش‌هایی که در اطراف مشاهده می‌شود، می‌توانیم جمع و برطرف کنیم.

#### بیانات در مراسم مشترک دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش / ۱۳۸۳/۰۷/۲۳

ملت ایران در دنیا به این شناخته شده که با ظلم، با سلطه‌گری، با روابط ناسالم سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در سیاست‌های بین‌المللی، مخالف است؛ به این هم باید شناخته شود که ملتی اهل سازندگی، اهل ابتکار، اهل نوآوری در همه‌ی زمینه‌هاست و یکی از بهترین زمینه‌ها، نیروهای مسلح و به‌ویژه نیروی انتظامی است؛ و شما این فرصت را امروز دارید. ما خوشوقتیم از اینکه بحمد الله در زمینه‌های گوناگون نشانه‌های پیشرفت را می‌بینیم. البته مشاهده‌ی اوضاع تاسفبار و مصیبت‌بار ملت‌های منطقه و همسایه‌ی ما، برای ملت ایران سخت و دشوار است.

امروز شما مشاهده می‌کنید که در کشور عراق اشغالگران و سلطه‌طلبان با مردم چه جور رفتار می‌کنند؛ درحالی‌که ادعا می‌کنند به دنبال تروریست‌ها هستند، آحاد مردم را قتل عام می‌کنند. بمباران‌های مکرر شهرهای عراق، بمباران فلوچه، شهرک صدر، سامرا و دیگر شهرها، چطور می‌تواند برای مقابله با مشتی تروریست باشد؟! معنای مقابله با تروریسم و تروریست‌ها این است؟! کودکان معصوم و زنهای بی‌دفاع و انسانهای بی‌گناهی که در این بمباران‌های کور نابود می‌شوند، تروریستند؟! آیا با این رفتارها تروریسم ریشه‌کن شد یا تشویق شد؟! اگر نگوئیم سازمان‌های تروریستی شناخته‌شده، زیر نفوذ دستگاه‌ها و سرویس‌های جاسوسی امریکا و اسرائیلند- که اگر کسی چنین ادعایی هم نکند، معلوم نیست خیلی گرافه گفته باشد- کمترین سخن این است که بگوئیم تجاوز، زورگویی، قتل عام، قلدری، نادیده گرفتن حق یک ملت در کشور خود، تشویق‌کننده‌ی مقاومت‌های مردمی و رشددهنده‌ی احساس گرایش به تروریسم در میان همین ملت‌هاست.

این رفتار، نسخه‌ی زشت دیگری در فلسطین اشغالی دارد. ببینید چه می‌کنند با این مردم! اردوگاه آوارگان را بمباران می‌کنند؛ به توپ می‌بندند؛ خانه‌های مردم را ویران می‌کنند؛ مزارع مردم را خراب می‌کنند؛ دهها نفر کودک و زن و مرد بی‌دفاع را به قتل می‌رسانند؛ به عنوان اینکه به دنبال مبارز فلسطینی می‌گردند! دنیایی که چشم را بر این جنایتهای وقیحانه می‌بندد، نمی‌تواند ادعا کند که طرفدار حقوق بشر است و نمی‌تواند امیدوار باشد که خواهد توانست با تروریسم رو به رشد در دنیا مقابله کند؛ این‌ها مشوق تروریسمند.

رفتار زشت مستکبران و قلدران، می‌تواند برای انسانهای نیک‌خواه، درس عبرت باشد. اقتدار، با اخلاق، مشت قدرتمند، در کنار دل رحیم و مهربان؛ اعمال قدرت در مقابل قانون‌شکن، و نرمش و مهربانی و رفتار نیک در مقابل مردمی که محتاج امنیتند و از قانون‌شکنی رنج می‌برند.

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۳/۰۸/۰۶

اتفاقات ریز و درشتی در زمینه‌ی مسائل داخلی، خارجی، مخالفت‌ها، معارضة‌ها، انرژی اتمی و دیگر مسائل جریان دارد. ما اگر توجه کنیم کجا ایستاده‌ایم و در چه وضعیتی هستیم، جواب همه‌ی این سوالها داده می‌شود؛ اینکه این اتفاق‌ها چرا می‌افتد و انگیزه و هدف چیست؟ مسئله این است که ملت ایران با انقلاب خودش سقف فلک فرهنگ و سیاست را در دنیا شکافته و طرح نویی در انداخته است. روزی که دنیا دوقطبی بود و دو ابرقدرت با همدیگر آن‌طور معارضة داشتند، در مقابله با این طرح نو باهم همدست شدند. پس معلوم می‌شود که طرح نوی ملت ایران که با انقلاب اسلامی آن را به میدان آورد، چیزی است که جهت مشترک دو ابرقدرت را هدف و آماج خود قرار داده بود و آن را تهدید می‌کرد. آن جهت مشترک چیست؟ قدرت‌طلبی و سلطه‌طلبی. بله، ما با نظام سلطه مواجه شدیم. نظام سلطه یعنی اینکه در دنیا یک امپراتوری قدرت وجود دارد، متشکل از طرف‌هایی. در مقابل آن‌ها، منابع ثروت متعلق به ملت‌ها وجود دارد. رابطه‌ی بین این دو قطب، رابطه‌ی سلطه است؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. او سلطه‌گری می‌کند؛ ملت‌هایی هم که با خاکشان، یا آبشان، یا نفت‌شان، یا منابعشان، یا موقعیت سوق‌الجیشی‌شان مورد نیاز آن مرکز قدرت است، باید سلطه‌پذیر باشند و آنچه را که او لازم دارد و منافعش تامین می‌شود، تقدیم او کنند. اگر این کشورها منابع و ثروت خود را تقدیم کردند، فی‌ها؛ مثل خیلی از کشورهای جهان سوم به اصطلاح رایج؛ یعنی کشورهای عقب‌افتاده. دولت‌هایی سر کار بودند و منافع ملت‌های خود را دودستی تقدیم می‌کردند؛ مثل کشور خود ما در دوران رژیم طاغوت؛ این‌ها مطیع و تسلیم بودند. تسلیم بودن معنایش این نبود که در همه‌ی امور حرف آن‌ها را گوش می‌کردند؛ نه، در برخی از امور اختلاف‌نظر هم داشتند، اما خواسته‌ی آن‌ها را برآورده می‌کردند. آن‌ها می‌گفتند قرارداد نفت این‌طوری باشد، این‌ها قبول می‌کردند؛ در اپک آن‌طوری تصمیم بگیرید، این‌ها می‌گفتند چشم؛ نسبت به اسرائیل و صهیونیسم این‌گونه عمل کنید، این‌ها می‌گفتند چشم؛ نسبت به

کشورهای منطقه این‌گونه عمل کنید، این‌ها می‌گفتند چشم؛ موضع‌گیریتان در سازمان ملل این‌طوری باشد، این‌ها می‌گفتند چشم؛ بعد بتدریج وارد امور داخلی کشورها می‌شدند و می‌گفتند دولت آن‌طوری به کار بگذارید، این سیاستها را اعمال کنید، چنین تغییراتی در کشور به وجود بیاورید، این‌ها هم می‌گفتند چشم. نوع دیگر سلطه‌پذیری این است که یک‌وقت دولتی در مقابل منفعتی از منافع آن‌ها سر بلند می‌کند، اما آن‌ها می‌زنند سرش را می‌شکند و کنارش می‌زنند؛ او هم که پشتوانه‌ی مردمی ندارد- چون همین سلطه‌گرها او را نگه داشته‌اند- به‌راحتی از میان می‌رود؛ در نتیجه یکی دیگر را سر کار می‌آورند، که نمونه‌هایش را در کشورهای دیدیم و من الآن نمی‌خواهم اسم این کشورها را بیاورم؛ شاید خود شماها هم توجه دارید. در میان کشورهای همسایه، از این قبیل کم نداشتیم؛ یکی را برده‌اند، یکی را آورده‌اند. این نظام سلطه است در دنیا. کسانی که در نظام سلطه پامال می‌شوند، ملتها هستند؛ منافع و هویت و شخصیت و ارزشها و فرهنگشان نابود می‌شود. روز به روز هم نظام سلطه تقویت شده است؛ یعنی از وقتی که استعمار بر اثر ارتباطات آسان دنیا با یکدیگر و پیشرفت علم به وجود آمد، نظام سلطه هم پدید آمد. هرچه استعمار پیش رفته، نظام سلطه تقویت شده است. با امکانات جدید و وسایل ارتباطی سریع و فوق‌العاده‌ی که وجود دارد و امکانات نظامی و پولی و تبلیغاتی و غیره، نظام سلطه هرچه میخ‌های خود را بر سرزمین محل زندگی ملتها و انسانها بیشتر فروکرده، انسانها محکوم شده‌اند به توسری‌خوری و سلطه‌پذیری. نظام ما آمد این مدار را قطع کرد؛ گفت نمی‌شود. هرچند کمونیسیم هم در دنیا بود، اما مدار سلطه وجود داشت و دنیا را تقسیم کرده بودند؛ البته نه از روی طوع و رغبت؛ تقسیم از روی ناچاری؛ یک قسمت دست این، یک قسمت دست آن. بنابراین مدار سلطه در آنجا هم وجود داشت. همان شوری مدعی سوسیالیسم و کمونیسیم و عدالت اجتماعی، در اروپای شرقی فجایع عظیمی به راه انداخت که لا بد بعضی از شماها یادتان هست- ماها که یادمان هست- بعضی‌ها هم لا بد در کتابها و نوشته‌ها خوانده‌اید. لهستان یک طور، مجارستان یک طور، چکسلواکی یک طور. خونها ریختند، آدمها کشتند، تانکها بردند؛ همان کاری که امروز امریکایی‌ها در عراق دارند می‌کنند؛ همان کاری که امریکایی‌ها چند صباح قبل در افغانستان کردند. سلطه، سلطه است. بنابراین مدار حرکت سلطه‌آمیز و متکی به سلطه و بر محور سلطه وجود داشت. ایران اسلامی آمده این مدار را قطع کرده؛ می‌گوید ما قبول نداریم. این طرح، در دنیا بی‌جواب هم نمانده است. ملتها به این طرح خیلی معتقد شده‌اند. هرکس نگاه کند، در دنیای اسلام نشانه‌های این را به‌روشنی می‌بیند؛ یک نمونه‌اش فلسطین است. فلسطین ده‌ها سال تحت اشغال بود، بدون اینکه ملت فلسطین خودی نشان دهند؛ اما می‌بینید ملت فلسطین به کجا رسیده‌اند و با این همه فشار چگونه ایستاده‌اند. اظهاراتی که بعضی از کشورهای حول‌وحوش خود ما در زمینه‌ی گرایش به مردم و گرایش به اسلام و گرایش به جهات مردمی می‌کنند، به‌خاطر این است. ایستادگی مردم عراق را می‌بینید. این عراقی‌ها همان کسانی هستند که سالهای متمادی زیر فشار حکومت انگلیس و بعد هم عوامل چپ حرکت نمی‌کردند؛ این موج بیداری اسلامی است که عراقی‌ها را این‌طور بیدار کرده است. این طرح جدید کار خودش را کرده؛ یک فرهنگ جدید، یک فکر جدید و یک مسیر جدید برای بشریت مطرح کرده است. عصبانیت‌ها و اشکالات مربوط به این است. مساله‌ی بمب اتم و دنباله‌های آنچه در توهم فعالیت نظامی اتمی در دنیا می‌پراکنند، همه بهانه و حرف است؛ مسئله این نیست. حتی با اسلام هم به عنوان خود اسلام و شعار اسلام مخالفتی نیست. این را شما توجه داشته باشید که در تاریخ حکومت شعارهای دینی یا حکومت‌های مدعی دین، حکومت روحانیان کم نیست؛ فراوان است. در دوره‌ی جوانی ما، در مناطقی از دنیا حکومت روحانیون مسیحی بود. در چند قرن گذشته هم که کلیسا بر خیلی از کشورهای غربی و بعضی مناطق دیگر حکومت می‌کرد. در تاریخ اسلام هم که حکومت مدعیان دین و تولید دین را می‌بینیم. این چیزها در تاریخ کم نیست؛ الآن هم در دنیا حکومت‌هایی هستند که شعار دین سر دستشان قرار دارد. آنچه در دنیا کمیاب است- که این همه دشمنی را به خودش جذب کرده- حکومت ارزشهای دینی است؛ پیدا شدن دین است؛ یعنی اصرار بر تحقق عدالت اجتماعی. اینکه ما می‌گوییم، شعار نیست؛ حقیقت و هویت ماست. ما اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد. باید عدالت اجتماعی را تحقق ببخشیم؛ باید ارزشهای اسلامی را در جامعه پیاده کنیم؛ باید جامعه را، جامعه‌ی دینی و اسلامی کنیم.

#### بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۲/۰۶/۰۸

مبارزه‌ی با سلطه هم یکی از وظایف دولت اسلامی است. نظام سلطه، نظامی است که مثل بختک سنگینی روی پیکر جامعه‌ی بشری می‌افتد- و افتاده است- و او را نابود می‌کند و از بین می‌برد. این نظام سلطه دو طرف دارد؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. با این نظام باید مبارزه کرد. مبارزه‌اش هم با شمشیر نیست؛ مبارزه‌اش با عقل، با کار حرفه‌ای سیاسی، و با شجاعت در میدان‌های لازم و متناسب خودش است.

دولت اسلامی دشمنانی هم دارد. دولت اسلامی دو دسته دشمن دارد؛ یک دسته دشمنان شناخته‌شده هستند. همه‌ی سلطه‌گران و دیکتاتورهای دنیا به دلایل واضح دشمن دولت اسلامی‌اند؛ چون دولت اسلامی با اصل سلطه و دیکتاتوری مخالف است. کسانی هستند که به دین یا به ورود دین در عرصه‌ی زندگی معتقد نیستند- به اصطلاح سکولارها- این‌ها هم با دولت اسلامی مخالفند؛ می‌گویند اقتصاد باید از دین جدا باشد، سیاست از دین جدا باشد، زندگی اجتماعی از دین جدا باشد، تحركات و نشاطهای مردمی عمومی از دین جدا باشد. مخالفت‌ها هم در طیف وسیعی انجام می‌گیرد؛ از مخالف بودن، تا مخالفت کردن، تا معارضه‌های جدی کردن. مترفین بین‌المللی- یعنی ثروتمندان عظیم جهانی که نفت و منابع عمده‌ی جهانی را در اختیار خودشان می‌خواهند و برای این کار دارند حد اکثر تلاش علمی و عملی را می‌کنند- این‌ها هم جزو دشمنان بیرونی دولت اسلامی‌اند. عرض کردیم دشمن‌ها لزوماً دشمنی نمی‌کنند؛ بعضی از آن‌ها دشمن‌اند، بعضی دشمنی کردنشان به صورت مخالفت و اعتراض است، بعضی وارد میدان می‌شوند و گلاویز می‌شوند. بنابراین انواع و اقسام دشمنی وجود دارد و باید با هرکدام به نحوی برخورد کرد.

دسته‌ی دوم دشمنان درونی‌اند؛ یعنی آفت‌ها، بیماری‌ها و میکروب‌ها. مرگ ما بیش از آنچه ناشی از این باشد که دیگری بیاید ما را بکشد، ناشی از این است که در درون خودمان اختلافی به وجود می‌آید. غالباً مرگ‌های ما ناشی از ویروسی، میکروبی، بیماری‌ای و سلول عاصی‌ی است که سرطانی درست می‌کند؛ کمتر ناشی از این است که کسی بیاید آدم را بکشد. دولت اسلامی هم همین‌طور است؛ باید مواظب دشمن‌های درونی‌اش باشد؛ این‌ها آفت‌هایش است.

#### بیانات در دیدار مردم استان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۷

درس دشمنان ما چیست؟ معارضان ملت ایران هم باید از این تجربه‌ی بیست‌وهفت‌ساله درس بگیرند. آن‌ها باید باور کنند که یک حادثه‌ی بین‌المللی بزرگی در سطح جهانی شروع شده است. این قرن- قرنی که در پیش داریم- قرن شکست سیاستها و روشهای قرنهای نوزدهم و بیستم است. قرنهای نوزدهم و بیستم برای ملتهای منطقه از یک‌سو و قدرتهای غربی از یک سو دیگر، قرن دین‌زدایی و سپس سلطه و دست‌اندازی به کشورها بود؛ قرن استعمار و استثمار بود.

قرن بیست و یکم- که این قرنی است که چند سال است در آن وارد شده‌ایم- برحسب آنچه که انسان از قرائن می‌فهمد، قرن محو کردن و ازاله کردن آثار حرکت قرنهای نوزدهم و بیستم است؛ باید نشانه‌های استیلای قدرتهای بزرگ بر کشورها و ملتها بکلی از صفحه‌ی زندگی بشر پاک بشود؛ سلطه باید وجود نداشته باشد. آمریکاییها می‌خواهند خوب زندگی کنند، بکنند؛ هر ملتی حق دارد در سایه‌ی تلاش خودش خوب زندگی کند؛ اما در داخل کشور خودش خوب زندگی کنند. خلیج فارس، دریای عمان، اقیانوس هند، بقیه‌ی بخشهای دنیا، تنگه‌های حساس دنیا، مال امریکا نیست؛ این‌ها مال صاحبانش است. ملتها صاحبان کشورهای خودند. این قرن، باید قرن بازگشت ملتها به هویت خود، به انسانیت خود و شکستن طلسم سلطه‌گری و سلطه‌پذیری باشد؛ همچنانی که این قرن، قرن رو کردن به معنویت است. حالا در باره‌ی هزاره‌ی سوم حرف‌های پاره‌ی زیادی می‌زنند؛ برای هزار سال پیش‌بینی‌هایی می‌کنند که به هیچ مستند علمی و فنی متکی نیست. اما اگر انسان بخواهد از روی حدس و گمان در باره‌ی این هزاره حرفی بزند، می‌تواند بگوید که این هزاره، هزاره‌ی معرفت انسان به ارزش خودش است. در این هزاره، انسانها به ارزش خودش و ارزش نزدیک شدن به خدای خودش واقف می‌شوند. اگر بشود برای هزاره‌ی حدسی زد، آنچه که قابل حدس

است، این است. ما حالا بحث هزاره را نمی‌کنیم؛ اما این قرنی که در پیش است، قرن روکردن به معنویت و قرن استقلال و هویت ملی ملت‌هاست و ایران، سرآغاز آن بود. دنباله‌ی ایران بسیاری جاهای دیگر پیش خواهد آمد و قدرتهایی که با این حرکت عظیم بشری مواجه و سینه به سینه بشوند، شکست خواهند خورد و قدرت استکباری یکی از این‌هاست.

### بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم می‌کند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران با آن ملت دشمنی می‌کنند؛ روی او فشار می‌آورند و سعی می‌کنند مقاومت او را در هم بشکنند. این دشمن یک ملتی است که می‌خواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه‌گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه‌ی صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده آمریکا. البته این دشمنی مال امروز نیست؛ روشها تغییر می‌کند، اما سیاست دشمنی با ملت ایران از اول انقلاب تا امروز بوده است. هرچه توانسته‌اند، فشار وارد آورده‌اند، اما عبث؛ فشارهای آن‌ها نتوانسته است ملت ایران را ضعیف کند یا به عقب‌نشینی وادار کند؛ نه تحریم اقتصادیشان، نه تهدید نظامی‌شان، نه فشار سیاسی‌شان، نه جنگ روانیشان. امروز ما از پانزده سال قبل، از بیست سال قبل، از بیست و هفت سال قبل بسیار قوی‌تر هستیم؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که دشمن در دشمنی با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ناکام مانده است؛ اما این دشمنی هست.

امروز در دنیا تناقضی وجود دارد. ملت ایران از نظر ملت‌های مسلمان و ملت‌های منطقه- ملت‌های آسیا، ملت‌های آفریقا، ملت‌های آمریکای لاتین، ملت‌های منطقه‌ی خاورمیانه- یک ملت شجاع، مدافع حق و عدالت، و ایستاده‌ی در مقابل زورگویی‌هاست؛ ملت ایران را این‌طور شناخته‌اند. آن‌ها ملت ایران را تحسین و ستایش می‌کنند. اما همین ملت ایران و همین نظام جمهوری اسلامی که این‌قدر مورد ستایش ملت‌هاست، از نظر قدرتهای زورگو، متهم به نقض حقوق بشر است، متهم به سلب امنیت جهانی است، متهم به حمایت از تروریسم است؛ این تناقض است؛ تناقض بین نگاه ملت‌ها و خواسته‌ی قدرتها. این تناقض، تهدیدکننده‌ی نظام سلطه‌ی جهانی است. روز به روز این‌ها دارند از ملتها دور می‌شوند؛ این یک رخنه‌ی فرسایشی را در بنای لیبرال دموکراسی غرب به وجود آورده است و روز به روز این رخنه بیشتر خواهد شد. بالاخره تبلیغات استکبار تا مدتی می‌تواند حقایق را پنهان کند؛ همیشه که نمی‌تواند حقایق را پنهان کند؛ ملتها روز به روز بیدارتر می‌شوند. شما نگاه کنید؛ رئیس‌جمهور ملت ایران به کشورهای آسیا، به کشورهای آفریقا، به کشورهای آمریکای جنوبی مسافرت می‌کند، ملتها برای او شعار می‌دهند، به نفع او تظاهرات می‌کنند، اظهار حمایت می‌کنند؛ رئیس‌جمهور آمریکا هم به کشورهای آمریکای جنوبی- یعنی حیط خلوت آمریکا- مسافرت می‌کند، ملتها پرچم آمریکا را به مناسبت آمدن او آتش می‌زنند؛ این معنایش تزلزل پایه‌های لیبرال دموکراسی‌ای است که امروز غرب و جلوتر از همه آمریکا، مدعی پرچمداری آن هستند. تناقض در خواست آن‌ها و تمایلات مردم و مشاهدات مردم روز به روز بیشتر می‌شود. دم از دموکراسی می‌زنند، دم از حقوق بشر می‌زنند، دم از امنیت جهانی می‌زنند، دم از مبارزه‌ی با تروریسم می‌زنند، اما باطن شریر آن‌ها حکایت از جنگ‌طلبی آن‌ها می‌کند؛ حکایت از پامال کردن حقوق ملتها می‌کند؛ حکایت از میل وافر و اشتیاق سیری‌ناپذیر آن‌ها بر منابع انرژی جهانی می‌کند؛ این را ملتها می‌بینند. روز به روز آبروی لیبرال دموکراسی و آبروی آمریکا- که پیش‌قراول لیبرال دموکراسی است- در دنیا در نظر ملتها دارد کم و کمتر می‌شود. در مقابل، آبروی ایران اسلامی دارد بیشتر می‌شود. ملتها می‌فهمند که آمریکایی‌ها در ادعای دفاع از حقوق بشر دروغ می‌گویند؛ یک نمونه‌ی آن، رفتار آن‌ها با کشور خود ماست.

ایران در زمان طاغوت- زمان رژیم پهلوی- یکسره در مشیت آمریکایی‌ها بود؛ آمریکایی‌ها بر سراسر ایران مسلط بودند؛ پایگاه نظامی در ایران به وجود می‌آوردند، برای تسلط بر تحرک کشورهای عرب منطقه؛ می‌خواستند این‌ها را از پایگاه ایران زیر نظر داشته باشند. ایران همپیمان اسرائیل بود؛ بدترین دیکتاتورهای بر این کشور حاکم بود؛ مبارزان را در زندان شکنجه می‌کردند؛ در سرتاسر کشور- در همین شهر مشهد، در تهران و در همه‌ی شهرهای کشور- اختناق و شدت عمل ماموران جلاد رژیم طاغوت بر مردم مسلط بود؛ نفت ما را تاراج می‌کردند؛ اموال عمومی و ثروتهای ملی را به نفع حکام و به نفع بیگانگان به تاراج می‌دادند؛ ملت ایران را از حضور در مسابقه‌ی علمی و صنعتی دنیا مانع می‌شدند؛ ملت را تحقیر می‌کردند. آن ایران، متحد درجه‌ی یک آمریکا در این منطقه بود؛ زمامدارانش هم محبوب آمریکا بودند؛ هیچ اعتراضی هم به نقض حقوق بشر و نقض دموکراسی بر آن حکومت طاغوتی وارد نبود. امروز ایران یک کشور آزاد است؛ با این مردم‌سالاری واضح- که مردم‌سالاری ما در دنیا بسیار کم‌نظیر است- با این ارتباط مستحکم بین مردم و مسئولان کشور؛ این ایران از نظر آمریکایی‌ها، از نظر دولت آمریکا و سیاستمداران آمریکا یک کشور نامطلوب به حساب می‌آید؛ این نشان‌دهنده‌ی جهت‌گیری استکبار جهانی در مقابل حقایق موجود عالم است. البته آمریکایی‌ها از این دشمنی سودی نبرده‌اند و بازهم نخواهند برد. ملت ایران روز به روز قوی‌تر می‌شود و ارزشهای انقلاب روز به روز برجسته‌تر و تازه‌تر می‌شود.

### بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران خراسان / ۱۳۸۶/۰۲/۲۷

داعیه‌ی ما در دنیای امروز، داعیه‌ی کوچکی نیست؛ داعیه‌ی بزرگی است. نمی‌تواند تبلیغات خارجی تو سر جنس ما بزند. ما می‌دانیم چه می‌خواهیم و چه داریم؛ ارزشش را می‌دانیم. داعیه‌ی ما آن‌چنان داعیه‌ای است که امروز در دنیای اسلام، در هر کشوری از کشورهای اسلامی- چه در آفریقا، چه در آسیا- و در هر نقطه‌ای این داعیه‌ها و این شعارها مطرح بشود، اکثریت قاطع مردم با آن همراهی خواهند کرد؛ برای آن شعار خواهند داد و اظهار ارادت و عشق خواهند کرد. این، داعیه‌ی ماست؛ یعنی داعیه‌ای است که حرف دل همه‌ی ملت‌های مسلمان است. شما استقبالی را که مسلمانان در کشورهای مسلمان از رئیس‌جمهور کنونی ما و در دورانهای قبل از روسای جمهور ما- که آن‌ها را مظهر نظام اسلامی می‌دانستند- کرده‌اند، ببینید. این دیگر عرب و عجم ندارد؛ اینجا آسیای و آفریقائی ندارد. وقتی کسی که مظهر ایران اسلامی است و در آن کشورها حاضر می‌شود، دلها، نه به صورت تشریفات، نه ظاهرسازی، به استقبال او می‌روند و برای او شعار می‌دهند؛ اگر دولت‌ها و پلیس‌های آن‌ها و دستگاه‌های امنیتی آن‌ها جلوشان را نگیرند. داعیه‌ی ما چنین داعیه‌ای است و این داعیه در همه‌ی دنیای اسلام طرف‌دار حد اکثری دارد. من می‌گویم دنیای اسلام، اما دانه از این وسیع‌تر است؛ در غیر دنیای اسلام، مردمی که با کاری که جمهوری اسلامی دارد می‌کند و کرده است، آشنا هستند، آن‌ها هم همین احساس را دارند؛ منتها آنجا آشنائی‌ها کمتر است. تبلیغات ما، تبلیغات متناسب با عظمت کارمان نبوده؛ تبلیغاتمان ضعیف بوده است. هرجائی که می‌دانند، از این آرمان طرف‌داری می‌کنند. این آرمان چیست؟ این آرمان «صدیت با نظام سلطه» است.

ما می‌گوئیم دنیا را سلطه‌گران عالم تقسیم کرده‌اند به دو قسم: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. ما با این مخالفیم. سلطه‌گران غلط می‌کنند که بر دنیای غیر کشور خودشان می‌خواهند سلطه پیدا کنند. و دولت‌های سلطه‌پذیر- که زورگویی آن سلطه‌گران را قبول می‌کنند- بیجا می‌کنند که علی‌رغم میل ملت‌های خودشان تسلیم آن سلطه‌گرها می‌شوند؛ این حرف ماست. ما می‌گوئیم ملتها هویت خودشان را باید حفظ کنند؛ منافع خودشان را باید حفظ کنند؛ منابع طبیعی‌شان باید برای خودشان باشد؛ دیگران نباید به این‌ها زور بگویند؛ نباید سرزمین این‌ها را غصب کنند؛ نباید بر این‌ها سلطه‌ی سیاسی و فرهنگی پیدا کنند؛ این حرفی است که همه‌ی ملتها و بسیاری از دولت‌ها این حرف را قبول دارند و از بن دندان این حرف را می‌پذیرند. این داعیه‌ی ماست. شعار در دنیا خیلی است؛ هنر ملت ایران این است که این شعار را در عمل محقق کرده؛ «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». روشن‌فکرهای زیادی در دنیا همین حرف‌ها را زدند؛ اما حرف بود. ملت ایران عمل کرد؛ ملت ایران ایستاد و همین ایستادگی بود که برکت کرد و صدق دعای ملت ایران را برای ملت‌های دیگر ثابت کرد و این‌طور ملت‌های دیگر علاقه‌مند به ملت ایران شدند. این داعیه‌ی ماست. این داعیه‌ای است که کسی در کشور ما نتواند از او دست بردارد؟! جرات کند از مردم ملاحظه نکند و بتواند برخلاف این داعیه حرکت کند؟! آن مجموعه‌ای، آن حزبی، آن گروهی، آن جناحی، آن جریان‌ی که بخواهد برخلاف این رفتار کند، مردم توی دهن آن جریان می‌زنند.



### بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها / ۱۳۸۶/۰۲/۳۱

ما امروز یک نظامی هستیم که در دنیای پیچیده پرمسئله‌ی سیاست و اقتصاد، نوآوری کردیم؛ نمی‌گذارند این حقیقت به‌درستی آشکار بشود. ملت ایران و جمهوری اسلامی، یک نوآوری پرهیاهو و پراثری داشته است. من بارها گفته‌ام، دنیای سیاست- بعد از چالش‌ها و زیر و رو شدن‌های فراوان- تبدیل شد به دنیای سلطه؛ یعنی تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. چند کشور سلطه‌گر و بقیه‌ی کشورها سلطه‌پذیرند؛ در کشورهای سلطه‌گر هم آحاد مردم سلطه‌پذیر و فقط یک عده‌ی معدودی سلطه‌گرند. یعنی هرم دنیا ناگهان از سطح وسیع قاعده، با یک حرکت تندتیز به راس کوچکی می‌رسد که دارد بر همه‌ی دنیا حکومت می‌کند؛ این دنیای سلطه است. بعد از فروریختن شوروی، دنیای سلطه بازمه دامنه‌اش تنگ‌تر شده؛ یعنی این راس، به شکلی در انحصار یک دولت و یک قدرت درآمد و او امریکاست. امریکا هم قانع نیست؛ روسیه هم که در مقابل امریکا کوتاه آمد، باز امریکا قانع نیست و دارد همین‌طور پیشروی می‌کند؛ الان استقرار سامانه‌های موشکی در قلمرو ناتو- در اروپا- را ببینید، این یکی از آن کارهاست؛ یا حضور امریکا در قفقاز را ببینید؛ قفقاز یک روزی حیات خلوت روسها بوده؛ امریکا همین‌طور دارد روسیه را هم محاصره می‌کند.

حالا در این دنیای سلطه- که حتی دولت‌های اروپایی هم که خودشان جزو خانواده‌ی قدرتمند، جرات نمی‌کنند در مقابل قدرت امریکا حرف زیاد بزنند و فقط گاهی نق می‌زنند؛ چه برسد به دولت‌های متوسط و پایین- ملتی بوجود آمده که تمام مسلمات آن راس قدرت را زیر سوال برده؛ همه‌ی مسلمات سیاسی راس قدرت، رفته زیر سوال. زیر سوال رفتن، فی‌نفسه چیزی نیست؛ اما اشکالش برای امریکا این است که این مجادله‌ی سیاسی، یک مجموعه‌ی عظیمی تماشاگر دارد. تماشاگرها کیستند؟ ملتها؛ که دارند نگاه می‌کنند و می‌بینند. تأثیری که این در روحیه‌ی ملتها می‌گذارد، برای قدرت استکباری امریکا از هر زهری تلخ‌تر است. امروز در همان کشورهایی که امریکا بر دولت‌های آنها مسلط است- در آسیا و آفریقا و خاورمیانه و امریکای لاتین- در بین ملتها آنها، امریکا منفورترین دولت‌های دنیاست. این به‌خودی‌خود پیش نیامده؛ این تصادفی پیش نیامده.

### بیانات در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان / ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

امروز نظام سلطه در دنیا بنیایش بر گرفتن و دادن نیست؛ بنیایش بر گرفتن حد اکثری و دادن حد اقلی است؛ ثروت را می‌کنند، امکانات را می‌کنند، اختیارات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را در کشورها می‌کنند و در اختیار می‌گیرند و در مقابل، گاهی هیچ‌چیز نمی‌دهند، گاهی چیز مضر می‌دهند، گاهی هم یک چیزی که آن کشور نقطه‌ی مقابل می‌دهند. الان بافت سیاسی دنیا این است: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. اگر بناست این بافت به هم بخورد و کشورها بتوانند به قدر ظرفیت ملتهایشان و استعداد ملتهایشان در روابط عالم جایگاهی داشته باشند، عمده‌ترین چیزی که در این کار تأثیر دارد، علم است. بنابراین علم را باید جدی گرفت؛ باید پیش رفت.

### دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران در دیگر کشورها با رهبر انقلاب / ۱۳۸۶/۰۵/۳۰

ما رفتار نظام سلطه را به هیچ وجه قبول نمی‌کنیم، البته داعیه سلطه‌گری نداریم اما در هیچ موضوعی، زیر بار سلطه نمی‌رویم و شاخص دیپلماسی خود را مقابله با رفتار جهانی نظام سلطه و خروج از قاعده «سلطه‌گر - سلطه‌پذیر» میدانیم.

### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۶/۰۶/۳۱

وضع دنیا را نگاه کنید. شما یک حقیقت جدیدی را دارید به دنیا معرفی می‌کنید. نظام دنیا بخصوص بعد از پیدا شدن پدیده‌ی استعمار و بخصوص در این دو قرن اخیر و باز بخصوص در آن دوره‌ی سلطه‌ی استعمار که منتهی شد به جنگ‌های بزرگ این قرن، بر اساس سلطه‌پذیری و سلطه‌گری بود. چند کشور، چند تا دولت، به دلیل خاصی، سلطه‌گری می‌کنند و به نظر خودشان باید هم بکنند؛ بقیه‌ی دولت‌ها و بقیه‌ی ملتها هم باید سلطه‌پذیری داشته باشند؛ باید زیر سلطه باشند و باید این سلطه را بپذیرند. به قول این نویسندگی جامعه‌شناس معروف غربی که منتقد سیاست‌های غرب و امریکاست، در حقیقت ثروتمندان کشورهای سلطه‌گر، اغنیای کشورهای سلطه‌گرند. سلطه مال آنهاست، مال همه‌ی آن کشورها هم نیست. و ثروتمندان کشورهای سلطه‌پذیر هم باید در خدمت آنها قرار بگیرند؛ و قرار می‌گیرند. درست هم هست؛ تحلیل درستی است.

شما آمدید این نظام پذیرفته‌شده‌ی جالفاده‌ی ظالمانه‌ی جهانی را انکار کردید و پایش هم ایستادید؛ مهم این است. «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا»؛ این مهم است. حرف خوب، شعار خوب، پدیده‌ی حکومت مردمی، پدیده‌ی انقلاب مردمی، مکررا و متعددا در خیلی جاهای دنیا بوده؛ اما اینکه این پدیده بتواند خودش را نگه دارد، بتواند این نهال ریشه بدواند، بتواند این پیکره خودش را در مقابل تهاجم‌های گوناگون آسیب‌ناپذیر کند که بیست و هشت سال از عمرش بگذرد و کارهای بزرگی را انجام بدهد و مخالفان خودش را به چالش بکشد؛ آن هم مخالفان متکبری که هیچ‌وقت حاضر نبودند خودش را دهن به دهن کنند با یک کشور به اصطلاح خودش جهان‌سومی، این‌ها نشان‌دهنده‌ی این است که یک مقطع جدیدی را شما آغاز کرده‌اید. این را قدر بدانید. اهمیت این مسئولیت بزرگ را بدانید. خوب، نتیجه‌ی این شناختن جایگاه و موضع و مسئولیت چیست؟ این است که کار را باید ادامه بدهید؛ کار را باید به آخر برسانید. حق ندارید این کار را نصفه‌کاره بگذارید؛ خسته نیاید بشوید. باید نگذارید که تلاشتان مطلقا دچار وقفه شود. باید عوامل شکست و به زانو در آمدن را شناسائی کنید و آنها را از خودتان دور کنید.

### بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی / ۱۳۸۶/۰۸/۰۹

نگاه به تاریخ باید ما را از سرنوشت عمومی ملتها و آحاد بشری آگاه کند؛ درس است، راه را نشان می‌دهد. این سرنوشت ملتهاست. سرگذشت تاریخ عمومی ملتهاست. ملتی که در روابط ظالمانه‌ی سیاسی جهان تحت ستم قرار گرفته است، یا می‌سوزد و می‌سازد؛ تحمل می‌کند، یا درصدد پاسخ برمی‌آید. از این دو حال خارج نیست. سرنوشت ملتها را این انتخاب تعیین می‌کند. روی این نکته شما جوانها خیلی باید تأمل و فکر کنید. این، راه را به ما نشان می‌دهد. روابط ظالمانه میان قدرت‌های سلطه‌گر و ملتها و کشورهای زیر سلطه، مسئله‌ی امروز و دیروز نیست؛ مال همیشه‌ی تاریخ است.

بعضی از قدرتها با یال و کویال خود، با تواناییهای مالی و نظامی خود، به خود حق می‌دهند به ملتهای دیگر ستم کنند، ظلم کنند، وارد بشوند، بکشند، لگدمال کنند، بزنند، غارت کنند؛ این می‌شود روابط ظالمانه. این می‌شود همان چیزی که ما اسم آن را گذاشته‌ایم نظام سلطه. نظام سلطه یعنی یک طرف سلطه‌گر، یک طرف سلطه‌پذیر.

این ملت زیر سلطه چه تصمیمی خواهد گرفت؟ چگونه عمل خواهد کرد؟ سرنوشت او را پاسخ به این سوال مشخص می‌کند. یا راه اول را انتخاب می‌کند، می‌گوید می‌سوزم و می‌سازم، که خوب، معلوم است که سرنوشت چنین ملتی که سوختن و ساختن، تحمل کردن، دم‌برنیاروندن و تن به زندگی خفت‌بار و همین دو سه روز زندگی کردن را برمی‌گزیند، چه است. سرنوشت او زیر سلطه ماندن است. اگر می‌خواهید مثال واضحی برای چنین ملتهائی پیدا کنید، به امت اسلام در طول این دو قرن اخیر نگاه کنید.

کشورهای اسلامی در این دو قرن اخیر، این راه را انتخاب کردند؛ راه سوختن و ساختن را؛ راه دم‌برنیاروندن را. در این شرایط کی مقصر است؟ روشن‌فکران مقصدند، علمای دین مقصدند، جوانان مورد نیاز و مورد امید آن جامعه مقصدند. سرنوشت این ملتها این می‌شود که شد. با آن میراث فرهنگی غنی، با آن سابقه‌ی درخشان سیاسی، کارشان به آنجا برسد که تمام کشورهای اسلامی تقریباً زیر سلطه‌ی استعمار بودند در این یکی دو قرن اخیر؛ یا استعمار صریح و علنی، مثل خیلی از کشورهای عربی و غیره، یا استعمار غیر مستقیم- به اصطلاح استعمار نوین- مثل کشور ما در دوره‌ی نظام طاغوت. نتیجه‌ی انتخاب راه اول همین است؛ از لحاظ

علمی عقب می‌مانند، از لحاظ افتخارات بین‌المللی عقب می‌مانند، از لحاظ وضع زندگی روز به روز رو به فقر بیشتر می‌روند، منابع انسانی‌شان معطل می‌ماند، منابع طبیعی‌شان به غارت می‌رود؛ این می‌شود نتیجه؛ ویرانی کشورها. در مقابل، آن قدرتهای سلطه‌گر با تغذیه‌ی از منابع این‌ها، خودشان را روز به روز قوی‌تر می‌کنند و مسلط‌تر می‌شوند و زور بیشتری وارد می‌کنند.

#### بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی / ۱۳۸۶/۰۸/۰۹

انقلاب موج خروشان است که هر چیزی بخواهد با او مقابله کند، آن را تحمل نمی‌کند. انقلاب، آن‌ها و بزرگتر از آن‌ها را با خودش برد. بعضی توانستند با جریان انقلاب همسو شوند و بالاخره خودشان را به نحوی با انقلاب همراه کنند و نجات پیدا کنند؛ اما عده‌ی دیگر هم در این اقیانوس موج غرق و نابود شدند و صلابت، نابودی معنوی از نابودی جسمی خطرناک‌تر است.

امروز، هر اندیشه‌ای که جوان را دچار این احساس بکند که از مسئولان و پیشروان انقلاب و مدیران کشور جداست، این اندیشه و تفکر، از نوع همان تفکرات سیاسی غلط تزییق شده است. امروز باید ملت و دولت، پشت به پشت و دست به دست هم و در کنار یکدیگر، با تمام توان تلاش کنند تا همه‌ی طلسمهای استکبار و سلطه را بشکنند و از بین ببرند. این، صحنه‌ی بسیار مهم و حساسی است. تفکری که شما را هدایت خواهد کرد و باید بکنند، تفکر اسلامی است. باید در دانشگاه‌ها به تفکرات اسلامی و کار اسلامی، خیلی اهمیت بدهید.

#### دیدار مسئولان اجرایی و جمعی از اقبشار مختلف مردم استان یزد با رهبر انقلاب / ۱۳۸۶/۱۰/۱۶

نفس گرم امام خمینی (ره) که توانست یک ملت را بعد از قرن‌ها رکود و سستی از استبداد و سلطه‌پذیری نجات دهد و به زنده‌ترین ملت دنیا تبدیل کند، همچنان با قدرت دمیده می‌شود و در روح و جان ملت جاری است.

#### بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۷/۰۱/۰۱

انقلاب اسلامی خود یک نوآوری بزرگ تاریخی بود که ملت ایران آن را در تاریخ خودش و تاریخ بشریت به ثبت رساند. انقلاب نوآوری بود؛ جمهوری اسلامی نوآوری بود. از بعد از دوران شروع استعمار، دنیا به دو بخش تقسیم شد: یک بخش سلطه‌گر، یک بخش سلطه‌پذیر؛ دولت‌ها و قدرتهایی با تکیه به دانش، با تکیه به سلاح، با تکیه به فریب‌گری، توانستند کشورهای دیگری را زیر سلطه بگیرند؛ آن‌ها شدند سلطه‌گر، این ملتها و این کشورها- خواه و ناخواه- شدند سلطه‌پذیر. دنیا عادت کرد به تقسیم میان سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ به طور سنتی، جمعی از ملتها باید زیر فرمان و یوغ استعمار و استکبار دولت‌ها و ملتهای دیگری قرار می‌گرفتند. انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آمد و این خط‌کشی باطل و این نظام غلط را در هم شکست. جمهوری اسلامی اعلام کرد با سلطه‌گری مخالف است و خود هم اگر بتواند و قدرت داشته باشد، هرگز سلطه‌گری نخواهد کرد؛ نه ملت دیگری را و نه مسئولان کشور، ملت خود را زیر سلطه‌ی ناخواسته‌ی خود نخواهند کشید. با سلطه‌گری مخالف است؛ اما با سلطه‌پذیری بیشتر مخالف است.

سلطه‌پذیری به معنای تسلیم شدن و تشویق کردن سلطه‌گران است. آن ملتی که می‌نشیند تا بایند و منابع او را غارت کنند و بر سرنوشته او مسلط بشوند، دارد سلطه‌گران را تشویق می‌کند و به دست خود گور خود را می‌کند. از لحاظ اخلاقی، سلطه‌گری و استعمار یک کشور و تسلط ظالمانه‌ی بر یک کشور، تحقیر ملتها و سلب هویت آن‌هاست. ملتها وقتی زیر سلطه قرار گرفتند، فرهنگ خود و هویت خود و شخصیت خود را بتدریج از دست می‌دهند و آن عزت ملی و غیرت عمومی و مردمی و ملی از آن‌ها گرفته می‌شود. از لحاظ سیاسی، سلطه‌گری یعنی سرنوشته یک ملت را در دست گرفتن. همچنانی که در دوران طاغوت، امریکانها و رژیم امریکا بر کشور ما سلطه داشتند و ملت هم هیچ‌کاره بود؛ یک مستبده‌ی را بر سر کار گذاشته بودند و با فرمان او و پشت سر او این ملت را تحت سلطه قرار داده بودند و در امور داخلی این ملت دخالت می‌کردند؛ نصب می‌کردند، عزل می‌کردند، خط مشی برای دولت تنظیم و تعیین می‌کردند، نخست‌وزیر می‌آوردند، نخست‌وزیر می‌برند، حتی در تعیین وزرا و در تعیین فرماندهان ارتش دخالت می‌کردند. از لحاظ اقتصادی هم سلطه‌گری یعنی غارت منابع یک کشور یا معطل گذاشتن منابع یک کشور. این نتایج سلطه‌گری است.

انقلاب اسلامی آمد و خط بطلانی بر همه‌ی این‌ها کشید. تقریباً سی سال است جمهوری اسلامی با این موضع‌گیری شاخص تاریخی خود، در مقابل سلطه‌گرانی که همه‌ی دنیا را در واقع متعلق به خود می‌دانند ایستاد. رژیم امریکا در این منطقه سلطنت می‌کرد و خاورمیانه پانداز مستکبرین و دولت‌مردان امریکایی بود؛ ایران- که نگین خاورمیانه و مرکز جغرافیایی این منطقه است- زیر نفوذ آن‌ها بود. انقلاب آمد و همه‌ی این اوضاع را برهم زد؛ نظام جمهوری اسلامی با رشادت در قلب این معرکه ایستاد و مسئله عوض شد.

امروز شما نگاه کنید، خاورمیانه نمایشگاه ناکامی امریکا و شکستهای امریکاست. در این سالها، برای جلوگیری از رشد و قدرت یافتن نظام اسلامی، هر کاری که توانستند کردند. اگر شما تصور کنید ضربه‌ای می‌توانستند بزنند و نزدیک، خطاست؛ هر کار می‌توانستند کردند؛ هر کار نکردند، چون نمی‌توانستند. در مقابل جنگ تحمیلی‌شان، تهاجم دزدانه‌شان، تحریم اقتصادیشان، جنگ روانیشان، تبلیغاتشان، هیاهو و جنجال و قرشمال‌بازی‌هایی که علیه جمهوری اسلامی در دنیا به راه انداختند، در مقابل همه، جمهوری اسلامی به پشتیبانی این ملت بزرگ و رشید، محکم ایستاد. ایستاد، نه فقط به معنای اینکه توانست خود را نگه دارد و نابود نشود، بلکه به معنای اینکه روز به روز بر قدرت خود افزود.

#### بیانات در دیدار مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) / ۱۳۸۷/۰۲/۰۲

از دورانی که مسئله‌ی استعمار در دنیا شروع شد- یعنی از قرن نوزدهم- که آرام آرام از حدود دویست سال قبل تقریباً مسئله‌ی استعمار یعنی دست‌اندازی به کشورهای دیگر از سوی قدرتهایی که می‌توانستند دست‌اندازی کنند، شروع شد، نظام سلطه سر کار آمد؛ یعنی دنیا تقسیم شود به دو بخش؛ یک بخش گردن‌کلفت و زورگو و سلطه‌گر، یک بخش ضعیف و توسری‌خور و سلطه‌پذیر. انقلاب اسلامی شما در مقابل این حرکتی که به حرکت طبیعی دنیای سیاست تبدیل شده بود، ایستاد. اینی که شما می‌بینید امروز در خیلی از کشورها صدای مرگ بر امریکا بلند می‌شود، این چیز جدیدی است؛ این مخلوق حرکت ملت ایران است. چنین چیزی وجود نداشت. اینی که شما می‌بینید امروز در همه‌ی دنیا، چه در کشورهای اسلامی، چه حتی در کشورهای اروپایی، سیاست امریکائی منفورترین سیاستها و سران کشور امریکا منفورترین سیاستمداران دنیا هستند، این ناشی از این حرکت عظیم ملت ایران است. اینجا بود که اول، شاخ ابرقدرتی ابرقدرتها را شکست، نظام سلطه را به چالش طلبید. چرا؟ چرا قدرتهای بزرگ مثل امریکا و دیگران با کشورهایی که همیشه سلطه‌پذیر بودند، باید از موضع قدرت حرف بزنند؟ توی ایران خود ما سران ذلیل روسیاه رژیم طاغوت، برای تصمیم‌گیری‌های مهمشان اقدام نمی‌کردند، مگر اینکه قبلاً با سفیر امریکا و سفیر انگلیس در ایران مشورت کنند. چرا؟ چرا یک ملت با تواناییهای خود، با ذخائر فرهنگی و مادی و معنوی خود، بایستی تابع و تسلیم یک قدرت بیگانه شود؟ چرا؟ این «چرا» را اول، انقلاب اسلامی گفت.

#### بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۲

علت دشمنی عمیق و آشتی‌ناپذیر استکبار و در راس آن‌ها امریکا و شبکه‌ی صهیونیستی دنیا با جمهوری اسلامی، این حرف‌هایی که گاهی گوشه و کنار گفته

می‌شود- چه چیزهایی که آن‌ها شعارش را می‌دهند، چه تصویری که بعضی در داخل می‌کنند- نیست. مسئله این است که جمهوری اسلامی یک «نقی» با خود دارد، یک «اثبات».

نقی استثمار، نقی سلطه‌پذیری، نقی تحقیر ملت به وسیله قدرتهای سیاسی دنیا، نقی وابستگی سیاسی، نقی نفوذ و دخالت قدرتهای مسلط دنیا در کشور، نقی سکولاریسم اخلاقی؛ اباحیگری؛ این‌ها را جمهوری اسلامی قاطع نقی می‌کند.

یک چیزهایی را هم اثبات می‌کند: اثبات هویت ملی، هویت ایرانی، اثبات ارزشهای اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قله‌های دانش؛ نه فقط دنباله‌روی در مسئله دانش، و فتح قله‌های دانش؛ این‌ها جزو چیزهایی است که جمهوری اسلامی بر آن‌ها پافشاری می‌کند.

این نقی و این اثبات؛ اینها دلیل دشمنی آمریکا و دشمنی شبکه‌ی صهیونیستی دنیاست. اگر نفوذ آمریکا را قبول کنیم، دشمنی‌ها کم خواهد شد؛ اگر راضی شویم که ملت ما به وسیله بیگانگان به طرق مختلف تحقیر شود، دفاع از هویت ملی یا دفاع از ارزشهای اسلامی را کنار بگذاریم، مطمئناً دشمنی‌ها به همین نسبت کم خواهد شد. اینکه می‌گویند جمهوری اسلامی رفتار خود را عوض کند، یعنی این. شنفته‌اید گاهی مسئولین سیاسی کشورهای مستکبر از قبیل آمریکا، درباره‌ی ایران که صحبت می‌کنند، می‌گویند: ما نمی‌گوئیم جمهوری اسلامی از بین برود، می‌گوئیم جمهوری اسلامی رفتارش را عوض کند. رفتارش را عوض کند، یعنی این؛ یعنی از این نقی و از این اثبات دست بردارد. این را می‌خواهند.

### بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۸۷/۱۱/۱۹

در حالی که دستگاه‌های تبلیغاتی مجهز فوق مدرن متعلق به این قدرتها، امروز شب و روز علیه نظام اسلامی و حرکت اسلامی و جمهوری اسلامی دارند تبلیغ می‌کنند، گسترش این فکر، حادثه‌ی غره را به وجود می‌آورد؛ یک مجموعه‌ی کوچک، یک سرزمین محدود، در مقابل یک دولتی که خود را یکی از چند قدرت نظامی درجه‌ی اول دنیا می‌داند، می‌ایستد. آن دشمن همه‌ی امکاناتش را وارد میدان می‌کند که بتواند این ملت را مقهور کند و نمی‌تواند. این حادثه‌ی کوچکی است؟! این چیز کمی است؟! قبل از آن، قضایای لبنان در دو سال قبل بود، که باز همه‌ی امکانات را به کار بردند و حتی آمریکائی‌ها به رژیم صهیونیستی کمک تسلیحاتی کردند. که او خودش سازنده‌ی بمب اتم است و صادرکننده‌ی تجهیزات نظامی است، باز آمریکائی‌ها به او تجهیزات دادند برای اینکه بتواند بر یک عده جوان مومن و عازم- که دفاع می‌کردند- غلبه پیدا کند و نتوانستند؛ در جنگ سی و سه روزه. این‌ها کوچک است؟!

این‌ها همان نقاطی است که جغرافیای قدرت را در دنیا تغییر داده. شکل نظام غیر عادلانه‌ی جهانی را که دنیا را به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم می‌کند، تغییر داده. دنیا بعد از قرن هفدهم و هجدهم میلادی که پدیده‌ی استعمار به وجود آمد، عادت کرده بود که چند تا دولت معدود و محدودی، سرنویشت کشورهای دنیا- دولتها، ملتها- را با اتکا به قدرت نظامی خودشان، نه با اتکا به قدرت اخلاقی، در دست داشته باشند. یکوقت هست یک دولتی به خاطر قوت فکری، به خاطر جوشش اخلاقی‌اش، به طور طبیعی در بین یک مجموعه‌ی از ملتها یا دولتها نفوذ پیدا می‌کند؛ اما نفوذ استعمار این‌جوری نبود. نفوذ استعمار، نفوذ قهرآمیز بود، به خاطر قدرت نظامی بود، با زور سرنیزه بود. دنیا عادت کرده بود یک عده‌ای این سرنیزه را داشته باشند و اکثریت دولتها و ملتها دنیا هم در مقابل این‌ها تسلیم باشند؛ آن وقت بسته به زرنگی خودشان، از میان این تسلیم‌شده‌ها، یک عده‌ای نان و نوای بهتری داشته باشند؛ یک عده‌ای نه، حتی همان نان و نوای هم نداشته باشند. مثل غلامان و بردگان یک ارباب که بعضی حالا یک لقمه‌ای، نواله‌ای هم گیرشان می‌آید؛ بعضی نه، برده هم هستند و گرسنگی هم می‌کشند.

این عادت با انقلاب اسلامی از سر دنیا رفت. معلوم شد نخیر، قدرتهای سلطه‌گر دنیا حرفشان حرف آخر نیست. حرف آخر را ملتها می‌زنند؛ عزم ملتها و ایمان ملتهاست که حرف آخر را می‌زند. این را ملت ایران یاد داد. البته انقلاب در دنیا قبل از انقلاب اسلامی هم به وجود آمده است، لیکن هیچ انقلابی- در طول تاریخ انقلابها شما نگاه کنید؛ از انقلاب کبیر فرانسه و قبل از او و بعد از او- نتوانسته اصول خودش را در طول دهه‌های متوالی حفظ کند؛ آن‌چنانی که انقلاب اسلامی ایران این اصول را حفظ کرده است و در خط مستقیم خودش حرکت کرده؛ تسلیم این و آن نشده؛ راه خودش را مستقیم به سمت جلو رفته.

نسخه‌ی آینده همین است؛ همه‌ی ملت ایران این را می‌دانند و باید بدانند و شما باید بدانید و می‌دانید. راه پیروزی نهانی و کامل ملت ایران این است که این خط مستقیم، خط ایمان؛ ایمان به خدا، ایمان به خود، ایمان به قدرت ملی، اعتماد به نفس ملی و راه حرکت و مجاهدت در همه‌ی اشکال؛ مجاهدت علمی، مجاهدت عملی- و آنجایی که لازم است، مجاهدت نظامی- و ایمان و جهاد را از دست ندهند.

### دیدار بهارات جاگدو رئیس جمهور گویان و هیات همراه با رهبر انقلاب / ۱۳۸۸/۱۱/۰۱

بزرگترین ستم به جامعه جهانی، سلطه قدرتمندان و استیلای نظام سلطه و تقسیم کشورهای جهان به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است به همین دلیل سیاست جمهوری اسلامی ایران از ابتدا بر مخالفت با نظام سلطه استوار شده است.

### دیدار بهارات جاگدو رئیس جمهور گویان و هیات همراه با رهبر انقلاب / ۱۳۸۸/۱۱/۰۱

کشورهایی که می‌خواهند زیر سلطه نباشند و نخواهند سلطه‌گری کنند با هر نژاد و زبانی دوست ما هستند.

### بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیات علمی دانشگاه‌ها / ۱۳۸۹/۰۴/۰۲

آرزوهایی که امروز ما برای این گستره‌ی وسیع داریم، آرزوهایی است که هیچ ملت آگاهی، هیچ دانشمند فرزانه‌ای و هیچ سیاسی‌منصفی، این‌ها را رد نمی‌کند. ما داعیه‌ی محو نظام سلطه را داریم؛ یعنی رابطه‌ی سلطه‌گری؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ حتی انسانی هم که در یک کشوری که دولتش صددرصد سلطه‌گر است زندگی می‌کند، این را رد نمی‌کند؛ یعنی در مناسبات جهانی، رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر نباشد. همچنین عدالت و استفاده‌ی از علم برای آسایش بشر نه برای تهدید بشر. بخصوص در طول این دوره‌های اخیر بعد از جنبش علمی دنیا- رنسانس- به این طرف و بخصوص در این یک قرن اخیر، بسیاری از آنچه در زمینه‌ی علم انجام گرفته، به جای اینکه برای آسایش بشر باشد در تهدید بشر بوده؛ یا تهدید جان، یا تهدید اخلاق، یا تهدید خانواده؛ و تشویق به مصرف‌گرایی و پر کردن جیب چپاولگران بین‌المللی و صاحبان و پدیدآورندگان تراستها و کارتلها. ما می‌گوئیم علم، به جای این‌ها در خدمت انسان قرار بگیرد؛ در خدمت آسایش انسان، در خدمت آرامش انسان و در خدمت روح و روان انسان. این‌ها حرف‌هایی است که دنیا نمی‌تواند رد کند.

می‌دانید وقتی نظامی با این آرمان‌ها و ملتی با این خصوصیات- با به کارگیری همت ایمانی برای پیشرفت در این عرصه‌ها، با استفاده‌ی از وعده‌های قرآنی در زمینه‌ی نصرت مومنین، با نترسیدن از مرگ و مرگ را وصول به خدا و شهادت لله دانستن- به شخصیت‌های دانشمند و فرزانه از قبیل چمران مزین و مفتخر بشود، به کجا خواهد رسید؟! این آن توقعی است که ما داریم.

### بیانات در دیدار نخبگان جوان / ۱۳۸۹/۰۷/۱۲

علم را برای خدمت، برای معنویت، برای پیشرفت فضائل انسانی، برای دفاع حقیقی از حقوق انسان باید فرا بگیریم. ثروت ملی و اقتدار ملی باید برای این باشد که

این ملت بتواند برخلاف سنت رائج جهان، پرچم عدالت را در دست بگیرد، به کسی زور نگوئیم؛ به مظلوم کمک کنیم؛ با ظالم مقابل و مواجه شویم؛ جلوی ظالم را بگیریم.

شما فکرتان را بکنید؛ اگر توی این دنیایی که سکه‌ی رائج عبارت است از ظلم و زورگویی و استکبار و استثمار و استثمار ملت‌ها، و هر کسی که قدم در جاده‌ی دانش و علم و پیشرفت میگذارد، همین راه را دنبال میکند- یک عده‌ای زور میگویند، یک عده هم زور را میپذیرند؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر، که مجموعاً نظام سلطه را به وجود می‌آورند- یک ملتی قد علم کند، عالم باشد، قدرت داشته باشد، حرف برای زدن داشته باشد و بتواند صدای خودش را به دنیا برساند، دارای فناوری پیشرفته و ابزارهای گوناگون ارتباطی باشد، دارای قدرت تبلیغات باشد، دارای انسان‌های با اعتماد به نفس بالا باشد و با این نظام سلطه مواجهه و مقابله کند؛ آنجائی که همه دست به دست هم میدهند تا یک ملت را مظلوم کنند، زیر پا له کنند، او به دفاع از آن ملت سینه سپر کند، ببینید در دنیا چه اتفاق عجیبی رخ خواهد داد؛ وضع دنیا دگرگون خواهد شد.

برای این هدف کار کنید، علم را برای این فرا بگیرید، دنبال این باشید- این لازم است- والا اگر روشی که علم‌آموزان و صاحبان علم در دنیا در این دوپست سال سیصد سال دنبال کردند، ما هم ته صف آنها بایستیم، راهی که آنها رفتند، ما هم همان راه را برویم، این که هنری نیست؛ این که هدفی نیست که انسان از جان خودش برای آن مایه بگذارد. ما بایستی راه جدیدی را باز کنیم. راه جدید این است که یک ملتی با دارا بودن ابزار علم و اقتدار علمی- که همه چیز دیگر را به دنبال خودش می‌آورد- انگیزه‌های الهی و ارزشهای الهی و اخلاق الهی را در دنیا علم کند و پرچمش را برافرازد. این، آن توفعی است که ما از شما داریم.

### بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۱/۰۳/۲۹

ما آحاد بشر، برای اندیشیدن، استعداد عظیمی در خود نهفته داریم. وقتی فکر نمیکنیم، وقتی مطالعه نمیکنیم، وقتی در آیات الهی تدبر نمیکنیم، وقتی در تاریخ خود، در گذشته‌ی خود، در قضایای گوناگونی که برای بشریت پیش آمده است، در گرفتاری‌های گذشته، در عوامل پیروزی بزرگ برای ملت‌ها، تدبر نمیکنیم، از آن گنجینه‌ی معنوی که خدا در ما قرار داده است، محروم میمانیم؛ «و یذکرهم منسی نعمته... و یتبروا لهم دفائن العقول». امروز بشر به این دو، احتیاج دارد. جوامع بشری نیاز دارند فکر کنند، ببینند، بدبختی بشر از کجاست؟ در این که ظلم هست، در این که تبعیض هست، در این که منطقی دوگانه بر قدرتهای مسلط جهان حاکم است، مگر شکی وجود دارد؟ ظلم بازرگی که امروز بر مجموعه‌ی بشریت دارد می‌رود، مشهود همه است. ظلم قدرتهای مسلط بر ملت‌هایی که دستشان از امکانات دفاعی خالی است، جلوی چشم همه است؛ این را مشاهده می‌کنید. یک قدرتی از هزاران کیلومتر راه بلند میشود می‌آید اینجا در منطقه‌ی ما، بر یک کشوری که دستش خالی است و امکاناتی ندارد، به‌زور سلطه‌ی خود را تحمیل میکند؛ آن وقت عروس‌های ما را تبدیل به عزا میکنند؛ هلیکوپترهاشان «مرگ» بر سر مردم میریزند. خانه‌های مردم را ویران میکنند، کسی هم نمیتواند به آنها چیزی بگوید؛ عذرخواهی هم نمیکنند! این وضع دنیا است. حتی در کشورهای پیشرفته هم همین جور است. امروز همین مسائل اقتصادی دنیا را که نگاه کنید، می‌بینید وضع همین گونه است. مسئله‌ی امروز اروپا، گره‌گشائی از مردم نیست؛ گره‌گشائی از بانکدارهاست، از سرمایه‌دارهاست، از صاحبان ثروتهای کلان است. امروز مسئله‌ی آنها این است. آحاد بشر، نوع بشر، برای قدرتهای مسلط مطرح نیستند. اینها یک حقایقی است که در دنیا وجود دارد؛ خب، بشریت فکر کند ببیند منشا این کجاست؟ منشا، نظام سلطه است؛ منشا، وجود دو قطب سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است. همچنان که اگر سلطه‌گر وجود نداشته باشد، نظام سلطه از بین خواهد رفت، اگر سلطه‌پذیر هم سلطه‌ی دشمن و سلطه‌گر را نپذیرد، باز این نظام به هم خواهد خورد. اینجاست که تکلیف، تکلیف ملت‌هاست؛ در میان ملت‌ها هم، تکلیف، تکلیف نخبگان است؛ نخبگان سیاسی، نخبگان فرهنگی.

شیطان‌های وابسته‌ی به دستگاه‌های استکبار وقتی در هر گوشه‌ای از دنیا یک حرکت بزرگ و آزادیبخش از سوی مردم - که خالص است، ناب است - مشاهده میکنند، تمام نیروشان را متمرکز میکنند که آن حرکت را تبدیل کنند به ضد خود، یا از خاصیت بیندازند. می‌بینید امروز در منطقه‌ی ما چه خبر است. مردم در کشورها انقلاب میکنند برای نجات از وابستگی به آمریکا، برای نجات از ذلت در مقابل تسلط صهیونیسم، برای ابراز نفرت از وجود این غده‌ی سرطانی در دل کشورهای اسلامی؛ تمام دستگاه‌های سیاسی و اطلاعاتی و مالی استکبار و وابسته‌هایش به حرکت می‌افتد تا حرکت را خنثی کنند. مسئله، اینهاست.

### بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

امروز هم ملت ایران آرمان‌هایی دارد، داعیه‌هایی دارد، حرف‌های بزرگی دارد؛ هم برای کشور خودش، هم برای دنیای اسلام، هم برای عالم بشریت. در مقابل ملت ایران هم گرگ‌های گرسنه، سبب‌های افسارگسیخته، این کمپانی‌های زر و زور، این مجموعه‌های دنیاطلب دنیاپرست صف کشیده‌اند؛ اسلحه میسازند، اسلحه صادر میکنند، جنگ می‌افروزند، سازمان ملل را با میل و اراده‌ی خودشان میچرخانند؛ هر جا می‌خواهند، افراد نظامی میبرند؛ جنایت میکنند، از ظلم حمایت میکنند، از صهیونیست‌های غاصب حمایت میکنند؛ ظلم میکنند در جامعه‌ی بشری، با قدرت ظاهری، با کیکه و دبدبه‌ی ظاهری؛ از قبیل همانی که نمونه‌اش را در دوران طاغوت در ایران میدیدیم. امروز هم یک عده‌ای میگویند: آقا مگر میشود در مقابل این صف به‌هم‌پیوسته‌ی دشمنان مسلح به پول و زور و رسانه و اقتصاد و سیاست و همه چیز ایستاد؟ مگر میشود پیش برود؟ امروز هم همان حرف است. این یک تجربه است.

بله، این حرف ما نیست؛ این حرف قرآن است؛ اگر برای خدا یا در میدان گذاشتید و ایستادگی کردید، پیروزی قطعی است؛ «و لو قاتلکم الذین کفروا لولوا الابدان ثم لا یجدون ولیا و لا نصیرا. سنه الله التی قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا». این فقط مربوط به ماجرای جنگ صدر اسلام نیست که «و لو قاتلکم الذین کفروا لولوا الابدان»؛ سنت الله است.

بله، آن وقتی که ما حرف حساب خودمان را بلد نباشیم، ندانیم، یا بلد نباشیم بگوئیم و طرح کنیم، یا پای آن حرف نایستیم، یا وسط راه با وسوسه‌های شیطانی یا وسوسه‌های نفس یا تبلی‌ها یا سست کنیم، مجاهدت به جائی نخواهد رسید؛ معلوم است. بحث بر سر آنجائی است که: «لینصرن الله من ینصره». دیگر از این تاکید، بالاتر نمیشود. اگر نصرت خدا بکنیم - نصرت خدا یا فکر کردن، اندوختن اندیشه‌های ناب، مطرح کردن درست آن در عالم، پای آن ایستادن، تدبیر برای پیشبرد آن به کار بردن، در مقابل خطرات آن سینه سپر کردن - «لینصرن الله»؛ خدای متعال حتما و قطعاً نصرت خواهد کرد. معنای «لینصرن» این است؛ یعنی خدا حتما و قطعاً نصرت میکند. «و من اصدق من الله فیلا»؛ از خدا راستگوتر کیست؟

ملت ایران اینها را در عمل تجربه هم کرده است. اگر شما ملت عزیز ما، شما جوانهای خوش‌روحوه و پرتوان و عازم، در این راهی که دارید می‌روید، ایستادگی کنید، شک نکنید که در زمان خود، در زمان متناسب، تمام آمال و آرزوها و داعیه‌ها و شعارهای ملت ایران نه فقط نسبت به خود این کشور، بلکه نسبت به دنیای اسلام و امت اسلامی و جامعه‌ی بشری تحقق پیدا خواهد کرد. هر کاری دوره‌ای دارد، زمانی دارد؛ در زمان متناسب خود، این آرزوها تحقق پیدا خواهد کرد. ملت ایران به آن نقطه‌ای که مورد نظر اوست، به دنبال آن حرکت کرده است، اهتمام ورزیده است، خواهد رسید؛ راهش مقاومت کردن است.

آن وقت چه اتفاقی می‌افتد؟ مسیر تاریخ دنیا تغییر پیدا خواهد کرد؛ مسیر تاریخ عوض خواهد شد. امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر (ارواحنا له الفدا) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به معرفت امروز من و شماست.

### بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

امام در اینکه ما با نظام سلطه مخالفیم، هیچ پرده‌پوشی نکرد. نظام سلطه یعنی آن نظام بین‌المللی‌ای که متکی است به تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛

امام قاطعا این را رد کرد. آن نظام سلطه هم در شکل کامل خود تجسم و تجسد پیدا میکند در رژیم و دولت کنونی ایالات متحده آمریکا؛ لذا امام صریحا در مقابل آمریکا موضع گرفت. موضع‌گیری ما در مقابل آمریکا به مناسبت این نیست که اینها یک ملتی باشند که ما با این ملت مخالف باشیم یا خصوصیات نژادی تأثیری داشته باشد؛ مسئله اینها نیست؛ مسئله این است که منش و ذات و رفتار دولت ایالات متحده آمریکا، مداخله‌گری و سلطه‌گری است؛ امام در مقابل این، موضع صریح و شفاف گرفت.

#### بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام / ۱۳۹۲/۰۲/۳۱

دنیای در یکی دو قرن اخیر، با بروز پدیده ننگین و شوم استعمار و استکبار بین‌المللی، دچار آفت‌های بزرگی شد؛ مهم‌ترین این آفتها نظام سلطه است. نظام سلطه به معنای آن است که در روی زمین، ملتها به دو گروه تقسیم بشوند: یک گروه سلطه‌گر، و یک گروه سلطه‌پذیر. دولت‌های استکباری عادت کرده‌اند که سلطه‌گری کنند، زور بگویند، در اقتصاد ملتها، در فرهنگ ملتها، در سیاست‌ورزی ملتها، در تربیت ملتها، در سبک زندگی ملتها، از سر استکبار و سلطه‌طلبی دخالت کنند؛ همه‌چیز دنیا در اختیار آنها باشد.

#### بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام / ۱۳۹۲/۰۲/۳۱

دشمنی دشمنان ما به‌خاطر این است که نظام جمهوری اسلامی در مقابل نظام سلطه ایستاده است؛ در مقابل عادت بد تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر ایستاده است؛ بقیه چیزها بهانه است. امروز بهانه، مسئله هسته‌ای است؛ یک روز بهانه، حقوق بشر است؛ یک روز بهانه، یک چیز دیگر است. آنها میخواهند نظام جمهوری اسلامی را از ایستادگی در مقابل قلدرها و گردن‌کلفت‌ها و باج‌گیرها و زورگویان عالم منصرف کنند؛ البته این اتفاق نخواهد افتاد. ملت ایران توانایی خود را در میدانهای مختلف اثبات کرده است؛ ملت ایران اثبات کرده که بدون تکیه به آمریکا، هم میشود پیشرفت علمی پیدا کرد، هم میشود پیشرفت اجتماعی پیدا کرد، هم میشود نفوذ بین‌المللی پیدا کرد، هم میشود عزت سیاسی در دنیای بشریت پیدا کرد. این را جمهوری اسلامی اثبات کرده و آنها از این ناراحتند.

#### بیانات در دیدار اعضای ستادهای «کنگره شهدای امور تربیتی»، «کنگره شهدای دانشجوی»، و «کنگره شهدای هنرمند» / ۱۳۹۲/۱۱/۲۷

ملت ایران کار بزرگی انجام داد؛ کار عظیمی انجام داد. در دنیایی که مبتنی بر مدار زور و زورگویی و چپاولگری قدرتمندان و زورمندان است و ملتهای مستضعف در مناطق فراوانی از عالم دائما در زیر فشار این زورمندان قرار دارند، در این دنیا یک موجودی، یک هویتی سر بلند کرد که صریحا، بدون ملاحظه، با شجاعت کامل این حرکت غلط عالم را - که حرکت سلطه‌گری است و ما از آن تعبیر میکنیم به نظام سلطه - نفی کرد؛ این کار ملت ایران است. ملت ایران نظام سلطه را که مبتنی بر سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است، نفی کرد. مبنای دنیای قدرتمند چپاولگر، بر تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است؛ امروز هم همین‌جور است. در دورانی که انقلاب اسلامی به‌وجود آمد هم همین‌جور بود و در طول تاریخ هم همین‌جور بوده است؛ البته امروز شدیدتر از دورانهای گذشته است؛ چون امروز ابزارهای سلطه، قابل مقایسه با صد سال پیش و هزار سال پیش و پنج هزار سال پیش نیست؛ لذا سلطه‌گران امکان تسلط بیشتری بر مظلومان و بر مستضعفان دارند و از این امکان دارند به‌طور کامل استفاده میکنند؛ منابع را میبرند، فرهنگها را نابود میکنند، انسانها را تذلیل میکنند، در بین ملتهای مظلوم و محروم گرسنگی را گسترش میدهند؛ و فجایع فراوان دیگر. در مقابل این حرکت، یک هویتی به‌وجود آمد به نام انقلاب اسلامی که متکی بود به میانی وحی، میانی الهی، اخلاق الهی، حرکت الهی و آنچه قرآن با صراحت دارد آن را بیان میکند؛ این حرکت ملت ایران است. این حرکت بحمدالله روزه‌روز هم توسعه پیدا کرده؛ این حرکت پیش رفته.

#### بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام / ۱۳۹۲/۰۲/۳۰

در مقابل این پرچم، در مقابل این گفتمان، گفتمان جاهلیت امروز دنیا است. گفتمان اسلامی، طرفدار عدالت است، طرفدار آزادی بشر است، طرفدار از بین رفتن زمینه‌های استکبار و استعمار است، طرفدار نابودی نظام سلطه در همه‌ی جهان است؛ یعنی در دنیا دو جناح سلطه‌گر و سلطه‌پذیر وجود نداشته باشد؛ این گفتمان نظام اسلامی است؛ این همان پرچمی است که دست شما است.

#### بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۲/۰۲/۳۰

یکی از آرمانهایی که من یادداشت کرده‌ام، مبارزه با نظام سلطه و استکبار است. نظام سلطه، یعنی نظامی که بر پایه‌ی رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بنا شده؛ یعنی کشورهای دنیا یا مجموعه‌های بشری دنیا، تقسیم میشوند به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ آن اتفاقی که امروز در دنیا افتاده [این است]؛ یک عده‌ای سلطه‌گرند، یک عده سلطه‌پذیرند. دعوای با ایران هم سر همین است؛ این را بدانید. دعوای با جمهوری اسلامی این است که این، نظام سلطه‌گر و سلطه‌پذیر را نپذیرفته؛ سلطه‌گر که نیست، خودش را از سلطه‌پذیری هم بیرون آورده و پای این حرف ایستاده. اگر ایران موفق شد و پیشرفت پیدا کرد - پیشرفت علمی، پیشرفت صنعتی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت اجتماعی، گسترش نفوذ منطقه‌ای و جهانی - نشان داده میشود به ملتها که میتواند سلطه‌پذیر نبود و روی پای خود ایستاد و پیشرفت کرد. نمیخواهند این اتفاق بیفتد؛ همه‌ی دعوایها سر این است، بقیه‌ی حرفها بهانه است.

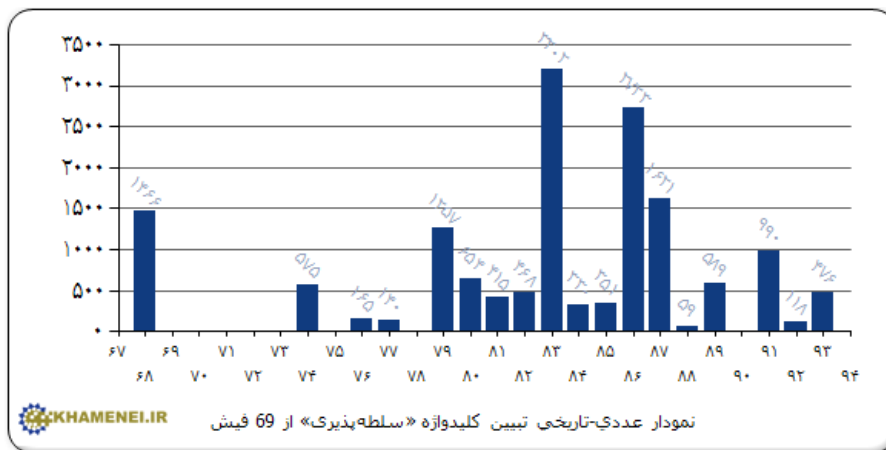
#### بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۷/۰۶/۱۵

یک جامعه و یک نظام، وقتی در یک راه نوبی قدم میگذارد و یک مدعای غیرمتعارفی را، یک مدعای متفاوتی را مطرح میکند، و با این مدعای متفاوت و راه نو وارد این جنگل انبوه تعارضات بین‌المللی میشود، با این خصوصیات طبعاً در دوره‌های مختلف، اوضاع گوناگونی پیدا میکند که بایستی برطبق آن اوضاع، شرایط خودش را تطبیق کند و برطبق آنها پیش برود. در صدر اسلام هم همین‌جور بوده است، امروز هم همین‌جور است؛ تعارضهای جهانی وجود دارد؛ این دنیای سیاست بین‌المللی یک جنگل انبوهی است، ما هم برخلاف جریان داریم حرکت میکنیم. جریان کلی دنیا، جریان استکبار و جریان نظام سلطه است؛ یعنی یک عده سلطه‌گرند، یک عده هم زیر بار این سلطه میروند، سلطه‌پذیرند؛ ما برخلاف این جریان داریم حرکت میکنیم؛ در این چهل سال این‌جوری پیش رفته‌ایم، این‌جوری حرکت کرده‌ایم. طبعاً اوضاع و احوالی برای ما پیش می‌آید که ناگزیر بایستی نسبت به این اوضاع و احوال حواسمان جمع باشد، دقتمان زیاد باشد، جوانب گوناگون قضیه را دائما رصد کنیم و بسنجیم و ببینیم.

#### بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران / ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید.





**مقالات مرتبط با کلیدواژه «سلطه‌پذیری» :**

علمای شیعه در عصر مشروطه و انگاره سلطه غرب / نویسنده : ناصر جمالزاده / ۱۳۹۰/۰۲/۲۴

نفی سلطه‌پذیری در سیاست خارجی دولت اسلامی / نویسنده : حسین ارجینی / ۱۳۸۶/۱۰/۰۱

اصول سیاست خارجی در قانون اساسی / نویسنده : عباس نیکزاد / ۱۳۸۳/۰۴/۰۱

آزادی سیاسی در قرآن کریم / نویسنده : منصور میراحمدی / ۱۳۹۱/۰۸/۲۴